هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

په خپل سیاسي
رنګ سموني
غواړو
ص۲

از بحران تا
احساس بحران
ص۲

شاگردی بی سواد
واستادی بی سواد تر
نقدی بر دشنامنامه یی به پیامبر صلی الله علیه وسلم
ص۴

دور هفتم سال پنجم شمارهٔ سیزدهم چهارشنبه ۲۱ سرطان ۱۳۸۵، ۱۵ جمادی الآخر ۱۴۲۶ – July 12 , 2006

رامسفلد در کابل و حمایت از کرزی



دیروز سه شنبه ۲۰ سرطان (۱۱ جولای) دونالد رامسفلد وزیر دفاع ایالات متحدهٔ آمریکا در یک سفر غیر اعلام شده از پیش وارد کابل شد، او حین ورود به کابل هدف از این سفرش به افغانستان را دیدار با مقامات حکومت افغانستان و فرماندهان ارشد نیروهای ائتلاف و نیروهای ناتو در افغانستان خواند و بر تحکیم روابط دوجانبه میان افغانستان و ایالات متحدهٔ آمریکا به ویژه همکاری استراتژیک میان این دو کشور، و افزایش نیروهای نظامی و حمایت آمریکا از حکومت آقای کرزی و شخص وی برای رهبری این حکومت تأکید ورزید.

دونالد رامسفلد پس از دیدار با رئیس جمهوری کشور با او در یک کنفرانس خبری حاضر شدند و کرزی از کمک های ایالات متحدهٔ آمریکا در عرصه های گوناگون برای افغانستان ستایش کرد و گفت: اگر کمک های ایالات متحده به افغانستان نبود، امروز ما نه جاده یی اسفالت شده داشتیم و نه مکتب و نه هم امنیت و تأکید کرد که افغانستان به همکاری های آمریکا بسیار نیازمند است.

وزیرد فاع امریکا گفت که کشورش در افغانستان همچنان فعال خواهد ماند با آن که نیروهای ناتو به رهبری بریتانیا در این کشور در حال افزایش هستند.

آقای کرزی در این کنفرانس خبری گفت که تا هنوز توجهٔ جامعهٔ جهانی در مبارزه با تروریسم معطوف به داخل افغانستان بوده است و تأکید کرد که باید منابع تمویل و تجهیز و آموزش تروریستان در خارج از افغانستان مورد توجه قرار بگیرد، این مسأله یی است که در این اواخر مکرراً از سوی آقای کرزی در مبارزه برضد تروریسم تأکید شده است و آگاهان مقصد از این تعبیر آقای کرزی را جلب توجهٔ بیشتر مقامات به تحت فشار قرار دادن پاکستان در مبارزه برضد تروریسم می فهمند. اما سخنان آقای رامسفلد در این باره بسیار محتاطانه بود و به نحوی از پاکستان ستایش کرد و گفت: "در این شکی نیست که فعالیت های طالبان و القاعده برای عبور از مرز ادامه دارد، اما همکاری هایی که ما با برخی ص۳

پیام تسلیت جمعیت اسلامی افغانستان به مناسبت

حوادث المناک اخیر پاکستان و هند

با تأسف فراوان دیروز انفجارهایی در خط آهن بمبیی هندوستان بیش از یک صد و پنجاه نفر قربانی و صدها نفر زخمی برجای گذاشته است.

جمعیت اسلامی افغانستان در حالی که ارتکاب همچون عمل جنایتکارانه، گروه های تروریستی را شدیداً نکوهش می نماید، به خانواده های قربانیان این عمل جنایتکارانه که مخالف همه ارزش های انسانی و اسلامی صورت پذیرفته است ابراز همدردی می کند و برای دولت و مردم کشور هندوستان مراتب تسلیت خود را تقدیم می دارد.

همچنان اطلاع یافتیم که روز دوشنبه ۱۰ جولای یک هواپیمای مسافربری کشور برادر پاکستان که از شهر ملتان عازم لاهور و اسلام آباد بود دچار آتش سوزی شد و سقوط کرد و چهل و پنج سرنشین آن جان های خود را از دست دادند.

جمعیت اسلامی افغانستان بدین مناسبت نیز تأثر عمیق خود را ابراز می دارد و برای قربانیان این حادثه از خداوند غفور مغفرت و اجر می طلبد و برای خانواده های شان صبرجمیل، و برای ملت و دولت پاکستان تسلیت می گوید.

جمعیت اسلامی افغانستان

دفتر مرکزی / کابل

کودتای داوود خان نمایش استبداد نوین

ص۳

ایتالیا با غلبه بر فرانسه جام قهرمانی فوتبال آلمان را به دست آورد

زیدان کپتان تیم فرانسه لقب بهترین بازی کن فوتبال را گرفت



مسابقات جام جهانی فوتبال آلمان که یک ماه پیش آغاز شده بود. یکشنبه شب ۱۸ سرطان با غلبهٔ ایتالیا بر فرانسه پایان یافت. در این مسابقات ۳۲ کشور جهان شرکت ورزیده بودند که در دور هشتم هشت کشور راه یافتند و در سیمی فاینل چهار کشور ایتالیا و فرانسه و آلمان و پرتگال وارد شدند. در فاینل فرانسه و ایتالیا به مصاف پرداختند که در پایان پس از به ثمر رسانیدن یک گول از سوی هر یک از این دو تیم، بازی به پنالتی رسید و ایتالیا به نشاندن پنج گول به دروازهٔ فرانسه و فرانسه با نشاندن چهار گول به دورازهٔ ایتالیا، در نتیجه ایتالیا برندهٔ جام جهانی فوتبال ۲۰۰۶ آلمان شناخته شد.

زیدان سرگروه بازی کنان فرانسه که از مسلمانان عرب تبار این کشور است به عنوان بهترین بازی کن این مسابقات شناخته شد و توپ طلایی را که مهم ترین جایزه پنداشته می شود به دست آورد. او چند دقیقه قبل از پایان بازی با گرفتن کارت سرخ از سوی داور میدان بازی را ترک گفته بود. دو بازی کن ایتالیایی فابیو کنه وارو و اندریا پیرلو به ترتیب توانستند مقام های دوم و سوم بهترین بازی کن این مسابقات را کسب نمایند.

ناظران فوتبال به این باورند که عامل مهم در وارد شدن فرانسه به مرحلهٔ نهایی این مسابقات حضور زیدان ۳۴ ساله بوده است که او با به ثمر رسانیدن سه گول توانست تیم فرانسه را که از ضعیف ترین تیم ها تلقی می شد وارد مرحلهٔ نهایی مسابقات کند.

شش عضو دیگر دادگاه عالی از سوی رئیس جمهوری معرفی شدند

این مسأله درگیری یی تازه را میان حکومت و مجلس نمایندگان برخواهد انگیخت

به دنبال معرفی پوهاند عبدالسلام عظیمی به عنوان رئیس ستره محکمه یا دادگاه عالی کشور در هفتهٔ گذشته شش عضو دیگر شورای عالی این نهاد از سوی رئیس جمهوری معرفی شدند. سه تن از این شش نفر آقایان رشید راشد و بهاؤ الدین بها و قاسم هاشمزی کسانی هستند که یک بار به دلیل داشتند تابعیت دوم از سوی مجلس نمایندگان رد صلاحیت شدند. اما سه تنی که تازه معرفی شده اند آقایان ضامن علی بهسودی و غلام نبی نوایی و محمد عمر ببرکزی هستند.

آقای فاروق وردک وزیر دولت در امور پارلمانی حین معرفی این سه نامزد شورای عالی دادگاه افغانستان گفت آنان همه با درجهٔ لیسانس از رشته های حقوق و شرعیات از دانشگاه کابل فارغ التحصیل شده اند. اما فاروق وردک دربارهٔ سه نفر رد صلاحیت شده از سوی مجلس نمایندگان گفت: "رد آنان به دلیل داشتن تابعیت دوم از سوی مجلس نمایندگان از حمایت قانون برخوردار نبود و از این رو آقای کرزی این افراد را دوباره معرفی کرد". ص۳

از بحران تا احساس بحران

ابوبکر سبزوار

در ایـن اواخـر در مـورد سرنوشـت حکومت حامد کرزی در رسانه های خبری داخل و خارج بحث هایی در جریان است. این بحث ها از هشت جوزا که نزدیک بود شاگردان مکاتب شهر کابل دولت کرزی را سقوط دهند، به صورت جدی مطرح گردیده است. تاریخ افغانستان در گذشته چنین ضعف را در هیچ حکومتی سراغ ندارد.

اکنون بسیاری به این باورند که برای پیشگیری از وسعت هرچه بیشتر بحران، نیاز به اصلاحات سریع و گسترده در ساختار این حکومت است اما هستند کسانی که به جای اصلاح، خواستار تغییر از قاعده تا رأسند.

ابراز آرزومندی برای اصلاحات همه جانبه را نباید به معنی تضعیف حکومت دانست. اگر همه قدم در راه چاپلوسان دم ودستگاه حکومت بگذارند و چشم بر حقایق مسلم ببندند، این کار هرگز به معنی تقویت نظامی نیست که درگیر بحران بوده ولی خود از آن بی خبر است و یا خطر را جدی نمی پندارد.

نگاهی بر قفا و راهی که در بیش از چهار ونیم سال گذشته طی شد نشان از بیراهه روی هایی دارد که اگر در همان آغاز به آن توجه می شد، امروز کشور ما وضع بهتری می داشت.

امریکا پس از سالها بی توجهی به افغانستان بعد از یازدهم سپتامبر مجددا افغانستان را به یاد آورد. این کشور برای سرنگونی طالبان در ابتدا تلاش نمود تا خود ابتکار عمل را در دست بگیرد و با حملات هوایی دشمن را شکست دهد اما چون این کار بدون نیروی پیاده ناممکن بود، از روی ناچاری به جبههء متحد روی آورد.

جبههء متحد برای این کار ابراز آمادگی نمود اما رهبران جوان آن در مورد آیندهء پس از سقوط طالبان تنها به تعهد زبانی امریکا و حجت بانکنوت های دلاری اعتماد و باور نمودند و در مورد آینده هیچ طرف تعهد کتبی به امضا نرسید.

زمانی که باعجله برای تدویر کنفرانس بن آمادگی گرفته می شد، استاد ربانی با این کار مخالفت کرد و از نمایندگان جبههء متحد خواست که تجربهء ناکام ساختن حکومت در خارج را تکرار نکنند. در شرایطی که در کابل امنیت برقرار است، دلیلی وجود ندارد که این کار در خارج از کشور انجام گیرد ولی به این مساله توجهی صورت نگرفت.

به این دوستان در خفا گفته شده بود که اگر رهبران شان را کنار بگذارند، تیمی که در بن ساخته می شود برای حداقل یک ربع قرن افغانستان را اداره خواهد کرد و جامعهء جهانی نیز در کنار آنان خواهد بود. عضویت در این تیم آرزوی قلبی این دوستان بود.

استاد ربانی علی الرغم فشار های بیرونی و خواست این دوستان، به خواست و حمایت فرماندهان اطراف کابل به پایتخت آمد و به این ترتیب جبههء متحد را در موقعیتی قرار داد تا در برابر تصمیم های بیرونی دارای حق ویتو باشند اما آنان از این حق کمتر سود بردند.

تلاش ها در این جهت متمرکز بود که اعلیحضرت در رأس قدرت قرار گیرد اما با توجه به وضع جسمی وی، به نمایندگی از وی یکی از اعضای خانواده اش از این قدرت نیابت نماید.

نگاهی بر قفا و راهی که در بیش از چهار ونیم سال گذشته طی شد نشان از بیراهه روی هایی دارد که اگر در همان آغاز به آن توجه می شد، امروز کشور ما وضع بهتری می داشت

در این میان شخصیت های مناسب تری هم وجود داشتند که به علت مسایل قومی رد شدند و سرانجام حامد کرزی که به خاطر سابقهء جهادی اش می توانست مورد حمایت گروه های قدرتمند مجاهدین در کشور باشد، به عنوان رئیس دولت موقت پذیرفته شد.

کرزی از قندهار بود و در این انتخاب نکتهء ظریف دیگری نیز نهفته بود. مردم لوی قندهار که بیشترین نیروی نظامی طالبان از آن جا می آمد، باید خود را در صدر تصمیم گیری ها احساس می کردند و به این ترتیب مردم در انتخاب میان ملا محمد عمر و کرزی، به کرزی رو می آوردند.

مبالغ هنگفتی از پولی که باید در قدم اول صرف بهبود وضع زندگی مردم می شد، صرف یک برنامهء نامشخص به نام (ذهنیت سازی) گردید. برنامه یی که هیچکس قادر نیست در مورد مصارف آن پاسخی حتا نیمه شفاف ارائه دهد. هیچکس به این نکتهء بسیار ساده توجه نکرد که مردمی که با تحولات بعد از طالبان تغییری در وضع زندگی خود احساس نمی کنند، چگونه این ذهنیت را بپذیرند که نظام دموکراتیک بهتر از نظام دیکتاتوری است در حالی که در هردو نظام، از کار و معیشت بهتر محروم بوده اند؟

برای این کار برنامه های بزرگ بازسازی در قندهار آغاز شد و چهرهء شهر واقعا تغییر کرد. به حدی که قندهار زمان طالبان با قندهار جدید کمتر قابل مقایسه است. شاهراه کابل قندهار با کمک سخاوتمندانهء کشورهای خارجی به بهره برداری رسید اما وضع اقتصادی مردم در روستا ها به همان شکل سابق باقی ماند.

جامعهء جهانی بیش از همه به این نکته توجه داشت تا مردم افغانستان با مزایای نظام دموکراتیک آشنا گردند. مبالغ هنگفتی از پولی که باید در قدم اول صرف بهبود وضع زندگی مردم می شد، صرف یک برنامهء نامشخص به نام (ذهنیت سازی) گردید. برنامه یی که هیچکس قادر نیست در مورد مصارف آن پاسخی حتا نیمه شفاف ارائه دهد. هیچکس به این نکتهء بسیار ساده توجه نکرد که مردمی که با تحولات بعد از طالبان تغییری در وضع زندگی خود احساس نمی کنند، چگونه این ذهنیت را بپذیرند که نظام دموکراتیک بهتر از نظام دیکتاتوری است در حالی که در هردو نظام، از کار و معیشت بهتر محروم بوده اند؟

بی توجهی به احساسات مذهبی مردم و رواج علنی فحشا و فساد، زمینه ساز فکری تمایل به خشونت شد اما دولت همیشه تلاش داشته است تا فقط از عوامل خارجی سخن بگوید و چشم را برعوامل داخلی این خشونت ها ببندد.

بخش اعظم از وقت دولت آقای کرزی صرف کوبیدن مجاهدین به نام تفنگ سالار شد بدون این که تعریف دقیقی از این مفهوم به دست داده باشد. اصلا این دولت شناخت دقیقی از دوست و دشمن نداشت و به هر جانبی لگدپرانی می کرد و نشرات دولتی نیز آتش بیار این معرکه بودند.

سیاست تفرقه افگنی دولت میان مجاهدین سابق بیش از همه به دولت آقای کرزی لطمه زد. دشمنان اصلی قدرتمند تر و مسلح تر شدند در حالی که مجاهدین منزوی گردیدند. این وضع اگر آنان را به دشمن بالفعل مبدل نساخت، لااقل بخش مهمی از آنان را به بی تفاوتی کشانید.

بحران مدت ها قبل از هشت جوزا دامنگیر این دولت بود. همین که اکثریت مردم از شرکت در انتخابات پارلمانی ابا ورزیدند، باید هم جامعهء جهانی وهم دولت به این موج نارضایتی توجه می کردند. اما تحلیلگران امور سیاسی از غرب آمده چنین ابراز فضل می فرمودند که دلیل عدم اشتراک اکثریت مردم در این انتخابات این است که تفنگ-سالاران در آن سهم دارند. هیچکس از آنان نمی پرسید که اگر مردم از مجاهدین سابق ناراضی اند پس چرا به جای انتقام از مجاهدین از راه دادن رأی به مخالفان آنان، راه عدم شرکت در انتخابات را برگزیدند؟ مگر نه این است که آنان از کارکرد های دولت در سالهای پار مایوس و ناامیدند؟

دولت اکنون در تنگنای بسیار خطرناکی گیر کرده است و برای خروج از آن باید به سرعت عمل نماید. هرروز تاخیر به معنی نزدیک تر شدن یک گام دیگر به سوی پرتگاه است اما آیا دولتمردان دو تابعیتهء ما با اکثریت مردم [illegible]

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چهار راهی زنبق ـ هتل و رستورانت زنبق طلائی صندوق پستی : ۲۲۶
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹
Website: www.mujahid1357.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

په خپل سیاسي رنګ سموني غواړو

سمونپال

نن سبا په رسنیو کې د دی خبری بازار ډېر تود دی، چې د هېواد امنیتی وضعه نوره د پاڼ پر سر ده او حکومتی اداره یعنی سر تر پایه فساد، او د دې خبر د پخلي لپاره یې چې څومره دلیل او قراین له لاسه کیږی پرې اضافه کوي یې. بلخوا یو شمیر په څارنځای کې ناست سیاستوال (!) له وضعې نه په ګټې اخیستنې سره په منظمه توګه تبلیغاتي عملیه پیل کړي او ډنډوری غږوي، چې فلانی د راتلو په درشل کې دی فلانې به داسی شي او هغه بل به هاغسي شي! او له دې سره جوخت د کابل د وروستیو چاودونو پړه له واك نه په پرېوتو تنظیمونو اچوی (په داسې حال کې چې دوی اوس هم په واك دي نه دا چې پرېوتي دي)؛ خو له دي" همغږو تبلیغاتو" ځینې داسې معلومیږي، چې په عامه اذهانو کې د یوې طرحې د کینولو لپاره همدا اوس فعالیتونه په بیړه روان دي.

په پام کې مو وی. نړیوالو تر دې دمه له مونږ سره دي

او په هېواد کې یې د یو نظام د اساسي ستنو په لګولو کې زمونږ لاس ونیو، دا لاس ته راوړنې باید تر پښو لاندې نه شي، چې بیا له صفره په کار پیل وکړو، چې دا چارنه نړیوالوته د منلو وړ دی او نه په ولس کې هر ځل له صفره د پیل کېدو وس پاتې دی. مونږ چې د نړیوالو په ملاتړ او د تاکنو له لارې نه ولسمشر او د ولسي جرګې غړي وټاکل، خو بیا هم په دې بهیر کې ګورو چې له ستونزو سره مخ یو، نو بیا چې له سره هرڅه پیلوو؛ نو دا به تکراری تجربه وي چې یوازیني قربانیان یې مظلوم او بیوسې هېوادوال دي.

بلخوا دا هم باید په پام کې ونیسو، چې افغانستان د خپل استراتیژیك موقعیت له پلوه د سیالیو ډګر هم دی او ځینې تبلیغات چې تر سره کېږي، د ځینو سیالانو پټ لاسونه هم هیر نه کړو؛ ځکه ځینې یې له هرڅه د بیخه نړول غواړي، په داسې حال کې که خپل تیر دیرش کلن تاریخ ته وګورو او په دقیقه توګه ملي ګټې وارزوو، نو ثابته به شي دوی اوبه خړوي او کب نیسی؛ نو ځکه هېوادوال باید ډیر هوښیار وي په تیره بیا چې په دینی لارښوونو کې مومن په نهایت خیرکی ستایل شوی دی. او دا نه ښایي چې مونږ بیا له یوې سوړې نه دوه ځل وچیچل شو.

ټولې هغه طرحې چې له هېواد بهر کښل کیږي او بیا دلته پر مونږ راتپل کېږي، پایله یې منفی ده؛ نو غوره دا ده چې د اساسي قانون له مخې ټول رسمي سازمانونه، جهادي مشران، مخوران، قومی سپین ږیري، روښان فکران او سیاستوال. په رسنیو کې د حل لارې وړاندې کړي او له نړیوالی ټولنې سره په تفاهم ټول په ګډه په یوه طرحه کار وکړي. که په اساسی قانون کې د واك د ویش پر سر څه ستونزې وي او یا دا چې د ولایتی او ولسوالیو د شوراګانو له لارې نه د قدرت د ویش پر سر څه خبرې وې او یا د ملی اردو او ملی پولیسو د تکمیلولو لپاره طرحې وي دا ټولې دې راغونډې کړای شي. دغسی دولت هم باید ومني چې د ځینو چارو په ترسره کولو پاتې راغلی او باید د حل لپاره د نورو پر طرحې غور وکړي او په ګډه ملی تفاهم ستونزو ته د اواری لاره ولټوي.

جهادي سازمانونه په اوسني پړاوکې له یو ستري ننګوني سره مخ دي، که له اوسني کړکیچ ۶مخ

کودتای داوود خان نمایش استبداد نوین

پوهنمل سید عنایت الله شاداب



حوزهٔ تمدن ما به گونهٔ عام و افغانستان به گونهٔ ویژه در درازای تاریخ سیاسی خویش به حیث یک دولت، تماشاگر استبداد سالاری درخشن ترین چهرهٔ آن بوده و حکومت های زور بنیاد و تغلبی به دور از خواست و ارادهٔ مردم به سرنوشت توده ها بازی کرده اند و از خون و عرق پیشانی و آبلهٔ دست آنان، تاج و تارک خویش را، نگین نشان و خوان و ایوان شان را رنگین کمان ساخته اند.

کودتای ۲۶ سرطان به سرکردگی محمد داوود - که در زبان عوام آن دوره به سردار دیوانه آوازه یافته بود - باید در درازای همین گونه قدرت گیری ها و حکومت های زور بنیاد که در پوشش نوی به نمایش در آمده است، به خوانش گرفته شود. این کودتا به یقین سرآغازی بود برای فاجعه هایی که تا هنوز تازیانه های آن گرده ها و شانه های مردم بلاکشیده و رنج دیدهٔ این مرز و بوم را می آزارد.

کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ هنگامی زاده شد که کشورما افغانستان آبستن دگرگونی ژرفی در تار و پود و بافت ذهنی و اندیشه یی این ملت بود، ملتی که بعد از تحمل گونه گون رنج ها و دردها - که بیشترینهٔ آن ها را اهانت به کرامت انسانی، هویت ملی و اصالت دینی آنان تشکیل می داد، به حکم سنت های الهی (تاریخی) - خواست تا از بی خودی ملی، به خود باوری برسد و از دریوزگی فکری و سنت دنباله روی از قدرت های استعماری، با اندیشه یی متکی بر خودی ملی اش، رهسپار پیشرفت و تکامل شود.

بدون شک طلایه داری این خیزش سترگ خودباورانهٔ ملی را در چهارچوب نهضت اسلامی افغانستان آن چهره هایی به نمایش گذاشتند که نه از ناز و نعمت مراکز قدرت و دربارها بهره مند بودند و نه پرورش یافتهٔ بسترهای رفاه و آسایش آن قدرت های اقتصادی بودند که جوگ وار با جوشیدن خون و شیرهٔ جان توده های زحمتکش و محروم صاحب نام و ایوان گردیده اند.

آری! اینان چهره هایی بودند برخاسته از اعماق دردها و رنج های ملتی که سرنوشت شان با سرنوشت مردم محروم و دفاع از افتخارات آنان گره خورده بود. بارقه های این دگرگونی را می توان از یک سو در مبارزات دانشجویی دانشگاه ها و مراکز تعلیمی اواسط دههٔ چهل و اوائل دههٔ پنجاه و پیروزی چشمگیر شاخهٔ دانشجویی نهضت اسلامی به نام "جوانان مسلمان" در اتحادیهٔ محصلان به تماشا گرفت. از سوی دیگر این خیزش عظیم چالش بزرگی شد در برابر دولت و حرکت های وابسته به قدرت های برون مرزی. همه می دانیم که حاکمیت جنگ سرد و تقسیم جهان به حوزهٔ نفوذ دو اردوگاه شرق و غرب افغانستان را در حوزهٔ نفوذ اتحاد شوروی وقت قرار داده بود که شعار "لاکتاب، لاکلیسا، لااله" (نه کتاب، نه کلیسا و نه خدا) بر ایوان فکری و ایدئولوژی آن رقم خورده بود.

استبدادسالاری نظام کودتای داوود و موضعگیری منفی او در برابر خیزش اسلامی افغانستان که ریشه های آن را باید در حرکت استعمار ستیزانه و ضد استبدادی سیدجمال الدین افغانی به جستجو گرفت نمادی بود از یک حرکت استالینی که در روسیه و کشورهای آسیای میانه به تجربه گرفته شده بود

بدون شک وجود چنین خیزشی که شعار و جانمایهٔ پویش و حرکت آن را باورهای دینی تشکیل می داد - آن هم در حوزهٔ نفوذ ابر قدرتی که خیزش های دینی را تهمت ارتجاعی زده و وابسته به امپریالیزم سرمایه داری می داند - خیزشی است چالش آفرین برای ابرقدرت شوروی در آن وقت.

آری کودتای داوود خان را باید در چنان حال و هوایی و در چهارچوب چنین دید جامعه شناسی سیاسی به کند و کاو گرفت. البته قرائت های گوناگونی از کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ در تاریخ سیاسی معاصر افغانستان از طریق تاریخ نگاران دهه های اخیر و اندیشه ورزان سیاسی ارائه گردیده است که در محورهای زیر بر آن انگشت گذاشته می شود:

برخی چون میر محمد صدیق فرهنگ داوود خان را چهرهٔ تشنهٔ قدرت پادشاهی ترسیم نموده [۱] و برخی وی را چون ابزاری در دست کمونیست ها در براندازی رژیم شاهی به خوانش می گیرند همان گونه که صباح الدین کشککی به این باور است [۲] و برخی هم دست اتحاد شوروی را به گونهٔ غیر مستقیم در آن دخیل می دانند همان گونه که اعظم سیستانی بدین باور است.[۴]

و برخی هم به این باورند که داوود خان به حیث یک چهرهٔ ملی با راه اندازی کودتای ۲۶ سرطان می خواست به مردم خدمتی را انجام دهد که اکنون در بسا گردهمایی از وی چنین چهره را به نمایش می گذارند.[۳]

رهبر جمعیت اسلامی افغانستان استاد برهان الدین ربانی با نوشتن دو رساله در سال ۱۳۵۴ از این کودتا به "فاجعهٔ ۲۶ سرطان" تعبیر و از رهبر آن به "داوودخان در گذشتهٔ ننگین، حاضر جنایت بار و آیندهٔ هولناک" یاد کرده و آن را در پیامی عنوانی کشورهای اسلامی به زبان عربی به پل عبور کمونیزم از آسیای میانه به جنوب آسیا و خاور میانه تشبیه نموده است.[۵]

واقعیت این است که بازیگران کارزارسیاسی در بازی تصاحب قدرت را نمی توان در یک بعد مورد بررسی و مطالعه قرار داد. همان گونه که در بعد قدرت مورد مطالعه قرار می گیرند در بعدهای دیگر نیز قابل مطالعه اند. در دانش های سیاسی به ویژه دانش سیاسی معاصر، تصاحب قدرت، جانمایهٔ پایه یی هر حرکت سیاسی را تشکیل می دهد و اما شعارهای دیگری چون خدمت و... در عرصه های پیشرفت و تکامل ملی وسیله یی است برای مشروع جلوه دادن چهرهٔ قدرت حاکم.

در پیوند به کودتای ۲۶ سرطان و رهبر آن، داوود خان نباید نقش دو عامل را از نظر دور داشت:

۱- قدرت باوری در حدی که هرگز شخص بالاتر از خود را قبول ندارد.

۲- جلوگیری از گسترش فکر دینی و دشمنی با تمثیلگران آن در هر چهره یی که تبارز کنند.

قدرت خواهی و اقتدار طلبی داوود خان امری است که نیازی به بحث نداشته و همه بر این امر اتفاق دارند که او در دوران های مختلف زندگی خود تلاش ورزیده است که بر مقام اول قدرت تکیه بزند و هیچکس را بالاتر از خود نبیند.

اما موضع او در مورد خیزش اسلامی افغانستان که در چهارچوب بیداری عمومی در جهان اسلامی جوانه زده بود همان موضع برخی حرکت های دین ستیزانه در افغانستان بود که همه حرکت های دینی را برچسپ ارتباط به انگلیس می زدند.

استبدادسالاری نظام کودتای داوود و موضعگیری منفی او در برابر خیزش اسلامی افغانستان که ریشه های آن را باید در حرکت استعمار ستیزانه و ضد استبدادی سیدجمال الدین افغانی به جستجو گرفت نمادی بود از یک حرکت استالینی که در روسیه و کشورهای اسیای میانه به تجربه گرفته شده بود.

این کودتا برای اولین مرتبه بعد از استواری پایه های خود شخصیت های ملی چون شهید میوندوال را آماج دشنه های سرخ قرار داده و افراد پرچمی و خلقی در نقش جواسیس عهده دار پی گرد افراد وابسته به جمعیت اسلامی افغانستان در سطح استادان و دانشمندان و محصلان شدند.

بدون شک ایجاد چنین فضایی خشونت بیز و خفه کن برای وابستگان جمعیت اسلامی افغانستان زمینه ساز آن شد که در پیشاور در اندیشهٔ گزینهٔ دیگری برای مبارزه در عوض مبارزهٔ مسالمت آمیز شوند. بررسی علمی پدیده هایی از این تراز، خود الهامگر آن است که داوودخان و نظام کودتایی او را باید عنوان جاده صاف کن برای ارتش اشغالگر شوروی، داد چه آگاهانه و چه نا آگاهانه.

داوود خان با سرشت منفی گرایانه اش در برابر خیزش اسلامی افغانستان، چنان خود را اسیر دار و دستهٔ پرچم و خلق کرد که نه به پیام های وطنخواهانهٔ پیشکسوتان خیزش اسلامی - که به دور از هر گونه امتیاز خواهی بود- گوش فرا داد و نه هم توجهی به بافت ذهنی و پیشینهٔ تاریخی این کشور کرد.

پیامد آن همه خود بینی ها و تکروی ها همان بود که او و خانوادهٔ بی گناهش به کام مرگ فرو رفتند و در این روزها خبر پیدا شدن گور دسته جمعی او و خانواده اش را از طریق رادیو تلویزیون افغانستان به نشر رسیده است همان گونه که بخشی از گورهای دسته جمعی قربانیان هم پیمانان او بعد از کودتای هفت ثور در هرات و پلچرخی و... در پیش از این پیدا شده بود.

بدون شک حوادث خونبار بعد از هفت ثور از اشغال کشور گرفته تا ویرانی ها و هجرت های دسته جمعی و... همه و همه تجسم عملی همان "آیندهٔ هولناک" رهبری داوود خان بود که قبلاً از آن تذکر رفت.

همان گونه که در بالا یاد آور شدیم برخی از چهره ها و گروه ها بر برخی ویژگی های اخلاقی و خانوادهٔ داوود خان تکیه دارند تا این که عملکردهای وی را در حکمروایی و دولت مداری او مورد توجه قرار دهند اما نمی توان با ارایهٔ چنین خوشبینی مانع داوری منصفانهٔ تاریخ گردید.

آنچه در پایان این نوشتار به حیث نتیجه می توان بر آن تاکید ورزید این است که حرکت هایی واقعاً ملی آن گاه در زندگی ملت ها نتیجه بخش می گردند که با اتکا بر باورهای ملی و نیروهای خودی به دور از بیگانه گرایی حرکت نمایند و از به کار گیری افراد و گروه های پاگدار بر اصالت های ملی جداً بپرهیزند در غیر آن داورهای تاریخ همان است که دربارهٔ دیگران کرده است.

پی نوشت

۱-افغانستان در پنج قرن اخیر چاپ سوم ص۲
۲- دههٔ قانون اساسی چاپ سوم ص۸
۳- مقدمه یی بر کودتای هفت ثور و پیامدهای آن در افغانستان ص۵۶-۵۷
۴- رویدادهای نیمهٔ اخیر سدهٔ بیست در افغانستان چاپ اول ص۷۳-۷۴
۵- رساله های فاجعهٔ ۲۶ سرطان "داوود خان در گذشته، ننگین حال جنایتبار و آیندهٔ هولناک" چاپ مطبعهٔ جمعیت

شش عضو دیگر دادگاه عالی هم از سوی ...

او در این مسأله به مادهٔ ۱۱۸ قانون اساسی استناد کرد که به باور او نداشتن تابعیت دوم را برای این افراد شرط نکرده است به باور او آنچه مهم است این افراد باید تابعیت افغانستان را دارا باشند.

هرچند قانون اساسی به صراحت نداشتن تابعیت دوم را برای نامزدان عضویت در شورای عالی دادگاه افغانستان شرط نکرده است ولی بسیاری از نمایندگان و حقوق دانان به این باورند که این امر به دلالت شرط قرار داده شده است و زمانی که این مسأله در مجلس نمایندگان بر سر تأیید شماری از نامزدان دو تابعیته برای عضویت در شورای عالی قضا مورد اختلاف واقع شد، مجلس نمایندگان به اکثریت آراء فیصله کرد که بند دوم مادهٔ ۱۱۸ قانون اساسی که می گوید نامزد شورای عالی قضا "تبعهٔ افغانستان باشد" به این مفهوم است که تابعیت کشور دیگر را نداشته باشد. و نیز در این زمینه به استقلالیت قضا

می شود و آن این که استقلالیت قضا یکی از ارکان بنیادین قضاست و داشتن تابعیت دوم غیر از تابعیت افغانستان این اصل را مخدوش می کند، چون عضو دیوان عالی قضا نباید غیر از قوانین افغانستان و منافع این کشور به قوانین و منافع کشوری دیگر ولاء و وابستگی داشته باشد.

مسأله یی دیگر که نیز ممکن است مناقشه بر انگیز باشد مسألهٔ "تخصص و تجربهٔ کافی در نظام قضایی افغانستان" است که قانون اساسی آن را شرط تصدی این وظیفه دانسته است. چنان که از زندگی نامزدان تازه معلوم می شود برخی از آنان دارای این شرط نیستند؛ چون آنان در قضای افغانستان دارای سابقهٔ کار نیستند چه رسد به داشتن تجربهٔ کافی در این زمینه.

این ها مسائلی است که با آغاز کار مجدد مجلس نمایندگان در اول ماه اسد یعنی ۱۱ روز بعد رویا رویی تازه را میان مجلس نمایندگان و حکومت و نیز مباحث پیشین را باری دیگر میان نمایندگان طرفدار حکومت آقای کرزی و مخالفان آن برخواهد انگیخت.

رامسفلد در کابل ...

از همسایه ها داشته ایم بسیار سودمند بوده است ولی هنوز این همکاری ها منجر به قطع خشونت های ناشی از عبور از مرز نشده است."

آقای رامسفلد همچنان گفت که کشورهای اروپایی برای نابود کردن مواد مخدر در افغانستان نیاز دارند که با این کشور همکاری کنند؛ زیرا که مبارزه برضد مواد مخدر که اروپا را تهدید می کند برای آنان در افغانستان بسیار آسان و کم هزینه است.

این یازدهم سفر آقای رامسفلد و دومین سفر مقامات بلند پایهٔ آمریکا در خلال دو هفته به افغانستان است. این سفر آقای رامسفلد در پی سفر خانم کاندولیزا رایس وزیر خارجهٔ آمریکا صورت می گیرد که در حدود دو هفته پیش انجام پذیرفت.

هرچند در این سفرهای وزیران خارجه و دفاع آمریکا مسائلی چند مورد بحث قرار گرفت اما برخی از آگاهان به این باورند که بیشترینه بحث های پشت دروازه های بسته نظر به شرایط کنونی کشور باید به مسائل امنیتی و گسترش روز افزون نا رضایتی مردم از نحوهٔ مدیریت حکومت پرداخته باشد. و نیز آمریکا با تأکید وزیران خارجه و دفاع این کشور برحمایت از حکومت آقای کرزی و به ویژه حمایت از شخص وی در رهبری این حکومت می خواهد به کرزی و هم به مردم افغانستان نشان بدهد که این حدس و گمان ها که گفته می شود آقای کرزی حمایت آمریکا را از دست داده است بی اساس و او همچنان از این حمایت برخوردار است.

بسیاری از تحلیلگران به این باورند اگر این حمایت های بیرونی با بازنگری های بنیادین از سوی دولت آقای کرزی در برنامه هایش همگام نشود در تغییر اوضاع ... فراوان نخواهد کرد.

شاگردی بی سواد واستادی بی سواد تر

نقدی بر دشنامنامه یی به پیامبر صلی الله علیه وسلم

بخش اول

عبدالأحد تارشی

می گویند: شخصی به افلاطون گفت: فلان شخص ترا مدح کرد. افلاطون گریست. آن شخص متعجب شد وپرسید: چرا گریه می کنی ، مگر من حرف بدی زدم ؟! افلاطون گفت : من نمیدانم چه کار بدی کرده ام که مورد پسند آن شخص که ازجاهلان است ،واقع شده ام ودر نتیجه مرا ستوده است ؟.

آری ! توصیف وتعریف جاهلی ،ازاهل دانش ومعرفت ،ایشان را به اندیشه فرو می برد که چه کار زشتی مرتکب شده اند تا مورد پسند آن جاهل واقع شده ودر نتیجه مورد ثنا وصفتش قرار گرفته اند. اماوقتی توصیف کننده وتوصیف شده هردو جاهل باشند ، در اینصورت موضوع رنگ دیگری بخود می گیرد وجاهلی که مورد ثنا وستایش قرار گرفته ، به عوض اندیشناک شدن ، بخود می بالد و خوشحال می شود.

این مقدمهٔ مختصر بخاطر آنست تا نگاهی کرده باشیم به مدح وثنایی که یکی از این جهال بی سواد نثار استاد بی سواد تر خود در یکی از سایت های انترنتی نموده ودرضمن لاطائلات و اراجیف وچرند وپرند و فیلسوف نمایی ومبالغهٔ خنده آور در توصیف استادش واشعار سست و رکیک وی که احیاناً با سرقت اشعار شعرای بزرگ نیز همراه است ؛ حملات مغرضانه یی بر دین مقدس اسلام وقرآنکریم وپیامبر بزرگ الهی نموده واین عزیز ترین مقدسات مسلمانان را دشنام داده است.

البته اینکه شخصی خود ویا دیگران را مدح کند ولو شخص ممدوح سزاوار چنین ثنایی نباشد ، مارا با آن کاری نیست واین حق مسلم هرشخص است. ولی وقتی در پوشش چنین نوشته هایی ، از روی حقد وکینه و خبث باطن بر معتقدات دیگران یورش برده می شود ومقدسات بیش از یک میلیارد انسان مورد تهاجم قرار می گیرد وآن هم نه یک بار بلکه باربار ، آن وقت است که نباید خاموش نشست وتماشایین بود؛ بلکه بر هر مسلمان است که مشت چنین شیادان را باز نماید و دشنام ها وتهمت های وقیحانهٔ شان را پاسخ بدهد تا آن عده مسلمانان پاک دل ومؤمن که معلومات کمتری در مورد دین مقدس وپاک وبی مانند شان دارند، دردام تبلیغات زهرآگین وشیطا نی ایشان نیفتند.

این آقا که می کوشد در هر به اصطلاح مضمون و شعر خود ، حمله یی بر مقدسات مسلمانان بنماید، آن گونه که از برخی نوشته هایش برمی آید، از پیروان ودلباختگان شجاع الدین شفا یکی دیگر ازشیادان است که در کتاب قطوری بنام تولد دیگر که بخش اعظم آن نقل متون تورات وانجیل است ، بر اسلام و قرآن وپیامبر اسلام صلی الله وعلیه وسلم تاخت وتاز نموده وبا دروغ بافی وجعل کاری و افترا وتهمت وتحریف حقائق وترجمه وتفسیر غلط آیات قرآنی ونقل قول از مستشرقین متعصب ومغرض وسرسخت ترین د شمنان اسلام وچشم پوشی از اقوال وگواهی های مستشرقین ومحققین ودانشمندان منصف غربی درمورد اسلام وپیغمبر گرامی اش وقرآن کریم واستفاده از صدها روش عوام فریبانه و مکارانه ، کوشیده است تا ثابت نماید که گویا در قرآن کریم تناقض وجود دارد واین کتاب کلام خدا نیست وتوسط بشر نوشته شده است ؛ درست مانند تورات وانجیل !

اگر چه برخی ازاکاذیب این شخص شیاد توسط یکی از نویسندگان ایرانی دریکی از سایت های های انترنتی رد گردیده ، ولی فکر می کنم کافی نباشد وکار بیشتری لازم است تا مشت وی بیشتر باز و دروغ هایش بیشتر افشا گردد ، و انشا ء الله به یاری وتوفیق خداوند این بحث را در موقع مناسب تحت عنوان " نگاهی به تولد دیگر شجاع الدین شفا" آغاز خواهیم کرد ، ولی علی العجاله بر می گردیم به بحث اصلی خود در این نوشتار تا ببینیم این مرید شجاع الدین شفا چه گلی را به آب داده واین شخصی که برادبیات قرآنی وشخصیت والای رسول کریم صلی الله علیه وسلم حمله می کند واستاد بیسواد تر از خودش را استاد مسلم عصر حاضر می داند واشعار سست ورکیک وضعیف او را چنان می ستاید که گویا همپایهٔ حافظ وسعدی است ؛ خودش چقدر سواد دارد؟!! وی در قسمتی از نوشتهٔ مضحکش باصطلاح شعری را از استادش نقل می کند که یک بیتش چنین است:

جهالت این قدر شایع نمی شد
رسول تو اگر می رفت به مکتب

مخاطب این به اصطلاح شعر، خداوند است و در آن اشارهٔ توهین آمیز به امی بودن رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وسلم شده است. البته مکتب رفتن وسیله یی انست برای کسب علم ودانش ولی این بدان معنی نیست که حتماً همهٔ کسانی که به مکتب می روند، عالم ودانشمند وبا سواد بار می آیند ، زیرا اگر چنین می بود حتماً این آقا و استادش که به اصطلاح به مکتب رفته اند وـ آن گونه که خودش می نویسد ـ چنین وچنان شهادتنامه را از فلان وبهمان کشور به دست آورده اند؛ سوادی می داشتند وبا نوشتن اشعار مسخره ومضحک، خود را رسوا نمی ساختند و ما قبل ازانکه سوادااین آقا واستادش را درضمن مروری بر باصطلاح اشعار هردو، مورد بررسی قرار دهیم، می خواهیم این توهین رذیلانهٔ آنهارا به پیامبر گرانقدر اسلام صلی الله علیه وسلم ، از زبان حافظ شیرین سخن جواب بدهیم که می گوید:

نگارمن که به مکتب نرفت وخط ننوشت
به غمزه مسأله آموز صد مدرس شد

آری ! رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وسلم مکتب نرفته ونزد استادی زانو نزده بود واین خود حکمتی داشت. نخست این که اشاره بر این نماید که سواد و مکتب رفتن در ذات خود نمی تواند راه نجات و سعادت بشر باشد بلکه آنچه هدف است عمل نیک می باشد زیرا کم نیستند باسوادان و مکتب رفتگان جنایت پیشه یی که با عملکرد های شیطانی خویش هزاران مصیبت براي جامعهٔ بشري آفريدند. و دوم این که اگر پیغمبر عظیم الشان اسلام مانند فلاسفه ومتفکران ومصلحان تاریخ، از نزد استادی علوم را فرا می گرفت، آن وقت نمی توانست ادعا کند که قرآن کریم معجزهٔ او وکلام الهی است، ودشمنانش می توانستند ادعا کنند که چون محمد صلی الله علیه وسلم به مدرسه رفته و درس خوانده وعلوم عصر خود را فراگرفته است لذا این کتاب نوشتهٔ خود اوست وکلام خداوند نیست ؛ درحالی که برعکس ، وقتی در یک جامعهٔ فصیح وبلیغ مانند جامعهٔ آن روز عربستان که فصاحت وبلاغت به اوج خود رسیده بود و شعرا بهترین قصائد خود را به دروازهٔ کعبه می آویختند تا به آن افتخار کنند وحفظ اشعار شعرای بزرگ چه ازگذشتگان وچه از معاصران ، از فضائل قابل افتخار بشمار می آمد؛ آری درچنین جامعه یی، وقتی انسانی امی که به امانت داری وصداقتش همه آشنا هستند، برمی خیزد وادعای پیامبری می کند و کتابی را به نام قرآن معرفی می نماید و آن را کلام الهی می نامد واین کتاب ، آن استادان ونابغه های بلاغت وفصاحت را به مبارزه می طلبد که اگر می گوئید این کتاب از جانب خداوند نازل نشده وسخن بشر است ؛ بفرمائید نظیرآن را بسازید وحتی نظیر یک سورهٔ آن را وحتی ده آیت ازآن را بسازید!!..

وبعد هم با قا طعیت می گوید که هرگز چنین کاری از دست تان بر نمی آید!

... بلی چنین ادعایی از طرف دشمنان اگر عقلی دارند وعاقلانه قضاوت می کنند ، قابل رد نمی باشد زیرا می بینند مدعی پیامبری شخصی به نام محمد است که او را از کودکی می شناسند .. او نزد استادی زانو نزده وخواندن و نوشتن نیاموخته ولی سخنانی را بر زبان می آورد و آن را وحی الهی می داند که در اوج فصاحت وبلاغت قرار دارد وهرگز قبلاً مانند آن را نخوانده ونشنیده اند وهرگز نمی توانند با همهٔ فصاحت وبلاغت شان ، شبیه حتی یک آیت آن را بسازند ؛ پس این سخن، سخن بشر نیست واگر چنین می بود حتماً آنها که فصیح ترین وبلیغ ترین انسان های عصر خود هستند، می توانستند مانند آن وحتی بهتر ازآن بگویند وبنویسند !!

از همین جا بود که ولید بن مغیره از سران قریش ، بعد ازآن که آیات قرآنی را از پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم شنید ، در جلسه یی که قریش به منظور مشوره در مورد کاربرد روش های بازداشتن حجاج از استماع دعوت رسول خدا صلی الله علیه وسلم تشکیل داده بودند ، در پاسخ این سؤال که پیامبر را به حجاج چگونه معرفی کنند ؛ گفت:

"همه سخن واحدی درموردش بگوئید ، نشود که سخنان تان متناقض باشد و یکی دیگری را تکذیب کنید!" ..

قریش گفتند : "توبگو که ما در مورد او چه بگوئیم ؟" ..

گفت : "نه .. شما بگویید من می شنوم" ..

گفتند: "می گوئیم کاهن است!" ..

گفت: "به خدا سوگند وی کاهن نیست ، ما کاهنان را دیده ایم ؛ سخنان وی با زمزمه وسجع کاثنان شباهتی ندارد" ..

گفتند : "می گوییم دیوانه است!" ..

گفت : "نه .. وی دیوانه نیست ؛ ماجنون وحالات آن را دیده ایم ، جنون شباهتی به وضع او ندارد" ..

گفتند : "می گوئیم شاعر است" ..

گفت : "نه .. وی شاعر نیست ، ما به انواع شعر دسترسی داریم ؛ رجز، هزج ،قریض ـ و مقبوضش را می دانیم ؛ سخنان وی شعر نیست"

گفتند: "می گوییم جادوگر است" ..

گفت : "او جادوگر هم نیست زیرا ما افسون و جادوی جادوگران را دیده ایم ؛ سخن او شبیه سخن جادوگران نیست . به خدا سوگند سخنان وی حلاوت ویژه یی دارد !" و به همین علت نیز شخصی مانند شجاع الدین شفا با وجود همهٔ دروغگویی وجعل کاری وتحریف ومغالطه در کتابش نمی تواند ادعاکند که قرآن نوشتهٔ محمد صلی الله علیه وسلم است وبا وجود پریدن ازاین شاخ به آن شاخ مانند همهٔ ملحدین ودشمنان اسلام، قادر نیست ازشخصی به صفت نویسندهٔ قرآن نام ببرد؛ آن گونه که از نویسنده های تورات وانجیل نام می برد!!

بلی .. بروی این حکمتی که گفته آمد ، پیامبر اسلام به نزد استاد زانو نزده واز اشخاص درس وتعلیم فرا نگرفته بودند ، ولی آن حضرت در دبستان الهی عالی ترین درس وپرشکوه ترین سبق وبرازنده ترین علم وعرفان را فراگرفته بودند وازهمین سبب است که احادیث رسول خدا صلی الله علیه وسلم که بعد از قرآن کریم در مرتبهٔ دوم منابع اسلامی قرار دارد ؛ در نزد اهل لغت وبلاغت نیز دومین مأ خذ بعد از کلام الهی است واهل این علوم برای اثبات قاعده یی ویا اصلی ، نخست از قرآن کریم وبعد از حدیث نبوی مثا ل می آورند واحادیث صحیح پیامبر صلی الله علیه وسلم سرشار از علوم ومعارف وعرفان هستند و احدی نتوانسته است ونخواهد توانست از نگاه فصاحت وبلاغت واملا وانشاء برآن ها ایرادی بگیرد ویا بطلان آنچه را که رسول خدا صلی الله علیه وسلم بیان فرموده اند ، ثابت سازد ؛ البته حساب مستشرقین مغرض وکینه توز وکاسه لیسان ودنباله روان ایشان از ملحدین که با توسل به هر دروغ وافترا وتهمت وشیطنت ، در میدان جنگ با دین الهی قدم می گذارند، جداست ومشت این گونه شیادان همیشه در اثر دفاع مسلما نان ازدین شان ویا سخ علمای اسلامی به اراجیف ایشان ، باز و خود شان رسوا شده اند.. زیرا اینها نیز با افشای بی سوادی وجهالت شان، مهر حماقت ونادانی بر پیشانی شان می خورد ومفتضح می گردند؛ مانند همین آقا که اینک ما اندازهٔ سواد وی واستاد مسلمش را از روی باصطلاح اشعار شان بررسی می کنیم تا دیده شود این خفاشان ظلمت جهل و بی سوادی وآتش پرستان کوردل که بر آفتاب بلاغت قرآنی باکمال وقاحت وبی حیایی توهین روا می دارند و آن را سخن های ردی می نامند ، در بازار ادب فارسی که زبان مادری شان است وته زبان تازیان ، ارزش خرمهره یی را دارند ویا نه ؟!

ادامه دارد

پـژواک درد آگـین

محمد اسحاق فایز

بخش ششم

وقتی باورپیدا کنیم که هنرسرچشمهٔ از منابع فهم و درک انسان است، رویکردبه منابع هنری میتواندبرای مادرک بهتری اززنده گی را به عنوا ن منبع بزرگ هنر داشته باشد.

سیدابو طالب مظفری همان گونه که درگذشته گفتم ازشاعران نامداریست که در ایران، درمحیط مهاجرت دست به قلم برده است و در همان جا نیزتجربه هایش رادرعرصه شعروادبیات روی کاغذ آورده است .

مظفری بی تردید سخت کارکرده و اکنون ثمره کار هایش را ما دریافت می کنیم و می خوانیم.

کلیه آثار مظفری در ایران اقبال چاپ یافته اند، جایی که شاعر سال های نو جوانی و جوانی خودرا گذشتاند و آموزش دید .

چهل ودومین گزیده ادبیات معاصر که در ایران چاپ شده است، گزیده های شعر مظفری است که من برای موضوع مورد بحث از آن مجموعه شواهدی می آورم.

ین دفتر است. مادر، طرف خطاب مظفری است که شاید هم مادر خود شاعر و یا هم مادر وطن باشد .

به نظر من ، مظفری دراین شعر خطاب به مادر وطن سخن می گوید با آغازی درد گین و گدازنده، تا آنجا که خود و همگنان خودرا درروزهای پیروزی " نا خلف " خطاب می کند.

وقتی در سپیده دم پیروزی ، فرزندگامهایش را نا استوار می ماند، را ه را می گذارد و به بیراهه می رود، او حق دارد خودرا ناخلف خطاب کند و همگنانش را نیز سزاوار چنین دشنامی بداند.

در این شعر او، آن یأس و سر خورده گی حتا با عصیانی طغیانی و درد ناک همراه میشود که سخت خواندنی نیز می باشد:

مادر ، سلام! ما همه گی نا خلف شدیم
در قحط سال عاطفه ها مان تلف شدیم
مادر . سلام ! طفل تو دیگر بزرگ شد
اما دریغ کودک ناز تو گرگ شد
مادر ! اسیر وحشت جادو شدیم ما
حشمی گزند و یکسره بد خو شدیم ما
تعویذ مهر بر سر بازوی ما ببند
ای ماه! ما پلنگ شدیم و تو سو ختی
ما صاحب تفنگ شدیم و تو سوختی
پرسیده ای که ماه چه شد اختران چه شد
من مانده ام که وسعت این آسمان چه شد
دوشیزه گان قریه بالا کجا شدند
گل چهره و گل آغه و گلشا کجاشدند
گلشا شگوفه داد، جوان شد عبوس شد
در دشت های تفتهٔ تفتان عروس شد
گل چهره خوش به حال غمش، غصه سیر خورد
یک شب کنار مرز وطن ماند و تیر خورد
ازاو نشان سرخ پری مانده است و حیف
ازما فقط شکسته سری مانده است و حیف

این شعر بلندیست و حیف باشد که پایان زیبای آنرا نیاورم. این است بند پایان این شعر:

اینک نشسته ایم سبک در کمین خویش
چشم انتظار سوختن آخرین خویش
اینک نشسته ایم که تا مار های خشم
از شانه های مست کسی سر بدر کنند
اینک نشسته ایم که تا نسل سامری
جمعی برآن سرند که ناموس و ننگ را
نذر کلاه گوشه یک تاجور کنند
دست ودهان کشاده که داد از کدام سوست
موجی نمی زنند که باد از کدام سوست
مردند تا به سفره شان نان بیاورند
طوفان ندیده اند که ایمان بیاورند
القصه برده اند از این ورطه رخت شان
جاوید باد کبکبهٔ تاج و تخت شان

مبینید که این شعر چه پایان تلخ و طنز آلودی دارد؟

یک نمونه دیگر نیز از مظفری میدهم و بر می گردم به شاعران دیگر و موضوعی دیگر. مظفری سوگنامهٔ داردکه مانند شعر بالا زیبا وپر درد است . این شعر نیز در نخستین سال پیروزی مجاهدین سروده شده است ولی شاعر هنگام سرایش این شعر نیز در غربت بوده و از این روی درد غربت و دوری از مادر وطن نیز در ابیات آن مشهود و هویداست:

تنور حادثه امشب شراره خیز شده است
و زنگ خورده ترین تیغ فتنه تیز شده است
تنور فتنه تنور دمیده ا ز دم دیو
تنور وحشی طوفان تنور بانگ غریو
تنور نوح . تنور زقوم دل کندن
تنورکشتی و لنگر زآب و گل کندن

***

آسیب پذیری روشنفکران

عبدالعلی کوهی/ استاد دانشگاه کابل

برای دانشجویان علاقه مند به شناخت رفتار انسانی، در این روزگاری که زندگی می نماییم سوال هایی مهم فرا روی آن ها قرار دارد، چرا عده یی با بمب گذاری تعدادی را می کشند یا مجروح می کنند، چرا برخی از آدمیان جان خود را برای دیگران فدا می کنند؟ چرا در جامعهء ما زنان و کودکان بیش از همه قربانیان خشونت در خانواده هستند؟ این ها و ده ها چراهای دیگر در ذهن هموطنان کنجکاو ما راه یافته است و مردم می خواهند پیرامون همهء این چراها پاسخ داشته باشند. تا روان آنها از این قبیل دغدغه ها برکنار بماند.

برای پاسخ دادن به سوال هایی از این قبیل باید به طور منظم دربارهء شیوه های رفتار و عمل انسان، دربارهء رویدادها بیندیشیم. هرگاه به اعمال و رفتار خود و دیگران می نگریم، بی درنگ در می یابیم که با موضوعی بی نهایت پیچیده و گسترده سر و کار داریم و در می یابیم که تمام جنبه های رفتار، حتا جزئی ترین و بی اهمیت ترین رویدادها بخشی از فرایند اجتماعی پیچیده یی است که در مجموعه هایی پیچیده یی از ساخت ها، مقررات و قواعد اجتماعی رخ می دهد. برای کاوش این رخدادها و اعمال انسان به طیف وسیعی از ابزارهای اندیشیدن نیاز است.

هدف اصلی پژوهش اجتماعی علمی فراهم ساختن ابزارهای لازم برای شناخت رفتار و هستی آدمی و پیش بینی این رفتارها و پدیده هاست، پژوهشگران رشته های مختلف، از جمله پژوهشگران علوم انسانی، با سیلی از واقعیت ها رو به رو هستند! واقعیت های تاریخی، واقعیت های روان شناختی، واقعیت های اجتماعی و...

گاهی اوقات یک پژوهندهء کنجکاو برخی از واقعیت ها را زیر سؤال می برد، یعنی آن چه را به منزلهء واقعیت به او عرضه می شود واقعیت نمی داند. به سخن دیگر برخی از اندیشمندان آنچه را به مثابهء واقعیت به آنها عرضه می شود، نمی پذیرند. هر نظریه یی یک واقعیت نیست، هر فرضیه یی هم یک واقعیت نیست. پس هر واقعیت را بر چه مبنایی باید پذیرفت، یا رد کرد؟ این مسألهء پژوهش علمی است و در تصمیم گیری و سیاست گذاری در زمینه های گونه گون، از جمله مسائل اجتماعی اقتصادی و سیاسی، نقش مهمی دارد که چگونه می توان اطلاعات موثق و معتبر پیرامون موضوع مورد بحث به دست آورد. این سخنان دیگر در مورد همه انسان ها درست نباشد، به صورت مختصر می توان گفت که با اصطلاح "روشنفکر" حتی در کشورما خودمان صادق است. طوری که روشنفکران ما به چیزهایی به مثابهء واقعیت باور داشتند که بعد از تلاش های فراوان علمی آن طرز تفکر جنبه های واقعی زندگی نبوده است. گفته شده است که وقتی "اندره مالرو" در فرانسه پست وزارت فرهنگ را پذیرفت، همه نویسندگان سرشناس فرانسه اعلام نمودند که دیگر اندره مالرو در قطار ما نیست. چون وظیفه اش حالا این است تا از حاکمیت در برابر نا به سامانی های موجود در جامعه طرفداری کند. البرکامو می گفت: کار ما تغییر دادن جامعه و انسان نیست؛ زیرا من تقوای لازم برای چنین کاری را ندارم.

همین کامو تأکید داشت: من در مقابل مسؤول هستم. گفته شده است که تا هنوز انسان خود را درک نکرده است و هنوز که هنوز است انسان قادر نشده است که راجع به خودش حقایق را بگوید. از هیچ رهبر مستبد در جهان نشنیده اید که خود را نقد کرده باشد. همین روشنفکر است که حقایق را جعل می کند و به خاطر فرو نشاندن عطش شهرت و قدرت خویش برای هر باطل و ناروا محل اعراب پیدا می کند.

اگر این سخنان در مورد سایر روشنفکران جهان درست نباشد، لااقل در مورد روشنفکران کشور خودمان درست می آید، تعدادی از روشنفکران ما که در افغانستان به قدرت رسیدند، تاریخ، گذشته و حال کشور را به نفع خود جعل نمودند. طوری که در افسانه های یونانی می بینیم نرگس عاشق خویش است این ها نیز عاشق خویش بودند و چه واژه هایی نبود که نثار قد و قامت خویش

> **اگر با سوادان افغانستان در حکومت تره کی و حواریون آن به عجله کشور را ترک نمی کردند دیگر در حوزهء فرمانروایی تره کی با سوادی جز حزب دموکراتیک وجود نمی داشت این حقایق ملموسی است که هنوز در خاطره ها موجود است**

ننمودند و خود را یک سر و گردن از سایر چیز فهمان جامعه بلندتر معرفی نمودند.

ژان پل سارتر مدعی بود که هر کس برای همه چیز و همه کس مسؤول است، اما بسیاری از اشخاصی که در افغانستان خود را روشنفکر می خوانند، حاضر نیستند مسؤولیت کارها و گفته های خویش را برای یک بار هم بپذیرند. گرچه روشنفکر در افغانستان تا کنون کدام صنف خاص را برای خود در جامعه باز نکرده است، اما دیده می شود که تمام قلم به دستان و تحصیلکرده ها و با سوادان جامعهء ما

> **راه رسیدن به ملت مانند هفت وادی معرفت است که عطار آن را تصویر می کند و گذشتن از این وادی ها چقدر دشوار و پر مخاطره خواهد بود. ما ناگزیر باید این وادی ها را طی نماییم، در غیر آن عضو جامعهء جهانی بودن و افتخار به دموکراسی غربی کاری از پیش نخواهد برد**

این نام را برای همدیگر تعارف می نمایند، اما تعداد زیادی از افرادی که خود را روشنفکر می خوانند با یک عقدهء حقارت گرفتارند. وقتی یک مسؤولیت رهبری را در دستگاه دولت برای خود، دست و پا می زنند، دیگر آن روشنفکر دیروز نیستند، همه چیز در مدار منافع بیگانه، فرهنگ ستیزی ملی سیر می کند.

فیلسوف آلمانی کارل پوپر مدعی بود: ما روشنفکران از هزاران تن بیش خسارت نفرت انگیزی به بار آورده ایم، قتل عام ها به نام یک آرمان به نام یک مکتب و یک تیوری این کار ماست. اگر با سوادان افغانستان در حکومت تره کی و حواریون آن به عجله کشور را ترک نمی کردند دیگر در حوزهء

دموکراتیک وجود نمی داشت این حقایق ملموسی است که هنوز در خاطره ها موجود است.

مولانا گفته بود:

از دیو و دد ملولم انسانم آرزوست

شونی هاور می گفت: به کسی آسیب مرسان. طوری که ما در جامعهء کوچک خویش تجربه نمودیم، شماری از "روشنفکران" ما نه پند و موعظه های روشنفکران غربی را شنیدند و نه هم به اندرزهای پربار عرفان شرقی توجه نمودند. روشنفکران جامعهء ما آنچه در توان داشتند تخم نفاق و نفرت در جامعه کاشتند و همه داشته های فرهنگی و ارزش های ملی را در پای چند واژه قربانی نمودند. و خود را نیز انترناسیونالیست خواندند و دیگران را عقب گرا و غیر مفید. بعد از آن که دیوارهای انترناسیونالیسم شوروی وقت فرو ریخت، دیگر این روشنفکران در سنگر قومیت قرار گرفتند و حاضر نیستند بالاتر از قبیلهء خود سخن بگویند.

خوب به یاد دارم که همین روشنفکران سینه چاک چنان مردم می گفتند که شبانه به استراق سمع می پرداختند و از وظیفهء انقلابی و اخلاقی خویش می دانستند تا مردم را از شنیدن اخبار غیر شوروی وقت پرحذر نمایند، طوری که همه می دانیم شماری از این روشنفکران هم اکنون زبان خود را به کشورهای غربی به اجاره دادهاند و این رادیوها را چنان در اختیار گرفته اند که نمی گذارند کسی غیر از خود شان در ساحت آن قدام گذارند.

در جهنمی که دانته تمثیل می کند، دریایی است به نام "لتا" که هر کسی از آن آب بنوشد، گذشتهء خویش را فراموش می کند؛ ولی گویا روشنفکران ما که از این آب نوشیده اند، نه تنها گذشته که آینده را نیز فراموش کرده اند.

دو سال پیش در سیمنار ناصر خسرو بلخی که در تالار مطبوعات وزارت فرهنگ برگزار شده بود، همه اشتراک کنندگان نوشته های خویش را خواندند و در حد فهم خویش پیرامون این شخصیت علمی و فرهنگی چیزهایی گفتند. در پایان بحث، به این مسأله رسید که یک جاده در تایمنی کابل به نام ناصرخسرو نام گذاری گردد. وضعیت سیمنار دگرگون شد زیرا تعدادی به نام زبان با این طرح مخالفت کردند و اکثر آن روشنفکران به اصطلاح پشتون، تاجیک، هزاره در تالار جمع شده بودند و همه در برابر همدیگر صف آرایی نمودند. این فضا آمیخته با تشنج و عصبانیت قومی، انسان را به یاد اثر شکسپیر به نام "هیاهوی زیاد بر سر هیچ" می انداخت. در آن تالار اهل قلم بسیار معروف حضور داشتند که هر یکی طرفی را تأیید می کرد و یا طبیعی می دانستند که از هم زبانان و نژاد خود دفاع کنند، نه از منطق و استدلال و عدالت اجتماعی.

این خاطره از آن جهت مهم است که راه رسیدن به ملت مانند هفت وادی معرفت است که عطار آن را تصویر می کند و گذشتن از این وادی ها چقدر دشوار و پر مخاطره خواهد بود. ما ناگزیر باید این وادی ها را طی نماییم، در غیر آن عضو جامعهء جهانی بودن و افتخار به دموکراسی غربی کاری از پیش نخواهد برد.

بهرنۍ لاس وهنې دې باید بندې شي

ذکوخیل

د بن د تاریخي غونډې په رڼاکي لنډ مهاله اداره جوړه او اوسني دولت دبنسټ ډبره یې کېښودل شو. لنډ مهالي اداري د هیواد پلازمینې کابل ته اضطراري لویه جرګه راوبلله او جرګې محترم کرزي د انتقالي دوري له پاره د حکومت د رئیس په توګه وټاکه، وروسته اساسي قانون تصویب او دجمهوري ریاست او پارلمان له پاره ټولټاکني تر سره شوي، محترم حامد کرزي بیا هم د ملت داکثریت په خوښه د هیواد د جمهور رئیس په توګه وټاکل شو.

هیواد وال، ګاونډي هیوادونه او نړیوال په دې پوهیږي، چې افغانستان منتخب جمهور رئیس، اساسي قانون او د پراخو پرګنو له منځه ټاکل شوي پارلمان لري، له دې امله د ملي او نړیوالو قوانینو او مقرراتو په وړاندې اوس مهال دلته هیڅ ډول تشته نه شته.

خوبیا هم ددې خاوري پر حریم تیري کیږي او د هیواد په یوه او یا بله څنډه کې نا اعلام شوي جګړه روانه ده، خلك وژل کیږي، میندې بوریږي، خویندې کنډیږي او هره ورځ د یتیمانو شمیر زیاتیږي، کلي، کورونه، ورانیږي او څوك نه پوهیږي، چې ددې وژنو، ورانولو پایله به څه وي؟ له دې امله ورځ په ورځ پرګنې په خپله راتلونکې بې باوره کیږي.

زموږ د هیواد ډیری اوسیدونکي په دې عقیده دي، چې د جګړې اساسي عامل بهرنۍ لاس وهنه ده.

خو له نیوکو سره سره تر اوسه زمونږ په کورنیو بهرنۍ لاس وهنه دوام لري، هیڅوك په دې نه پوهیږي، چې د بهرنیو هیوادو له پوځونو او نظامي قطعاتو له شتتون سره سره ولې دبهرنۍ لاس وهنې مخنیوي نه کیږي؟ سره له دې، چې نړیوال د خپل ژوند په بیه زموږ دګران هیواد په بیارغونه او د امنیت په ټینګیدو کې هلې ځلې کوي.

دپرګنو هیله داده، چې نړیواله ټولنه پرهغه بهرنیانو، چې زمونږ په کورنیو چارواکي لاس وهنه کوي، فشار راوړي، له هرې لارې نه چې وي هغوی دې ته اړ کړي چې لاسوهنه بنده کړي او افغان نځیدلي اولس پرېږدي، چې خپلې وراني، وېجاړي جوړي او خپل هیواد اباد کړي.

پژواک درد ...

به دست فاجعه سنگی در آسمان دیدم
و ماه را چو پلنگی در آسمان دیدم
به روی کویهٔ کاهی نشسته دهقانی
به باد داده ولی آنچه را که می دانی
زنان قریه زمژگان به دیده پل بسته
و دختری که ز آتش به جامه گل بسته
یکی به خرمن آتش گرفته می خندد
یکی به دامن آتش گرفته می خندد
لهیب فتنه بزرگ است آنچه می بینم
ستاره کله گرگ است آنچه می بینم
تنور حادثه امشب شراره خیز شده است
و زنگ خورده ترین تیغ فتنه تیز شده است
همان که خواب بلا دیده صبح لال شده
همان که عشق من امشب در او زغال شده
***
چه بی ترانه غباری، چه بی غزل عیدی
چه بی شکوفه درختی چه باغ نومیدی
***
قرار بود ببینیم صبح فردا را
قرار بود بسازیم باهم این جار ا
قرار بود زمستان بمیرد اما بعد ...
و این تنور کمی نان بگیرد اما بعد ...
چه شد که مصلحت عشق را نسنجیدند
فقط در آیینه تصویر خویش را دیدند
***
من از تلاطم این بحر تشنه گی بردم
به ساحلی نرسیدم که همسفر خوردم
سفر ملول شد از من، من از سفر خستم
خجول هرچه رفیقان و رهروان هستم
مباد گردی از این سان سفر به دامن تان
نصیب گرگ بیابان نصیب دشمن تان

ادامه دارد

افغانستان ته د نوي انګلیسي سرتیریو لیږل

راوی

له څو اونی خبرو او ګنګوشو نه وروسته د انګلستان هیواد افغانستان ته د خپل نه سوه نورو سرتیرو د لیږلو اعلام وکړ. دا نوي سرتیري به د افغانستان په سهیل ختیځو سیمو کي ددې هیواد د تقریبا له دري نیم زره سرتیرو سره یو ځاي شي. په دي سیمو کي همدا اوس د بهرني قواوو او طالبانو تر منځ سخته نښته روانه ده او هره ورځ د مړ ژوبلي راپورونه رسیږي.

په افغانستان کي دولتي چارواکیو له دي کار څخه استقبال کړي دی. دملي دفاع وزیر ستر جنرال عبدالرحیم وردك دا خبر یو په زره پوري خبر وباله او زیاته ئي کړه چي د نویو سرتیرو په راتګ سره په سهیلي سیمو کي د امن او سولي د فضا په رامنځته کیدو کی مرسته وشي.

څو ورځي دمخه د انګلیسي ځواکونو قوماندان چي اوس په افغانستان کي د ناټو د ځواکونو مشري هم په غاړه لري د یوي خبري کنفرانس په ترڅ کي وویل چي انګلیسي ځواکونه یواځي جنګي نوي ساز او سامان ته اړتیا لري او د نویو سرتیرو لیږلو ته اړتیا نه



لیدل کیږي. دي ویلي وو، چي په دي هکله په لندن کي مسئولو چارواکو سره تماس تینګ شوي دی. له خبري څخه داسي اټکل کېده چي افغانستان ته د نویو سرتیرو رالیږل شاید د انګلستان په پارلمان کي له ستونزو سره مخامخ شي، مخصوصا وروستي لړ وخت کي شپږ بریتانوي سرتیري د هلمند په جګړو کي خپل ژوند له لاسي ورکړي وو، خو دا چي اوس نوي سرتیري افغانستان ته لیږل کیږي شاید طالبانو ته دا پیغام وي چي غربي هیوادونه لاتر اوسه د تروریسم پرضد جګړه کي پر خپل هوډ ټینګ ولاړ دي.

له بلي خوا دا کار به حامد کرزي لپاره هم د زړه قوت وي چي په تیره یوه میاشت کي د هغه د حکومت د بي کفایتي خبره غربي رسنیو ته هم لاره موندلي ده.

له پخوا څخه دا خبره کېده چي د طالبانو د مخ په ډېریدو غلچکي بریدونو په مقابله کي د انګلیسي سرتیري شمیر لږ او ناکافي دي او اوسني ځواکونه د دښمن تر ډېریدونکی فشار لاندي دي. د نوي سرتیرو لیږل ددي خبري ښکارندوي دي چي په ربښتیا هم انګلیسي سرتیري په دي منطقه کی له مشکلاتو سره مخامخ وو.

که څه هم انګلیسی ځواك ادعا کوي چي دهغوي مخه یواځي جګړه نه ده: بلکی د هلمند په وروسته پاتی ولایت کي د بیاودانولو چاري هم سرته رسوي؛ خو اوس خبره داسي یو حد ته رسیدلي ده، چي سوله او امنیت ټینګ نه شي، د بیاودانولو کار عملي کیدل شوني نه ښکاري.

ځیني شنونکي په دي عقیده دي چي په افغانستان کی د بشپړ امنیت د راوستو لپاره له سلو زرونه زیات بهرني سرتیرو ته اړتیا ده؛ خو دا حقیقت باید له یامه ونه غورځول شي؛ چي حقیقي او تل پاتي سوله او امنیت د زړونو د فتحي له لاري نه لاس ته راځي. په زور او ځواك د سیمي لاندي کول د تل پاتي سولي په مفهوم نه دي. انګلیسي سرتیري په دواړه ډګرونو کي د فتحي هیله لري؛ خو ددي تجربي پایله به وروسته جوته شي!

په خپل سیاسي رنګ سمونې ...

نه د وتلو لپاره د اساسی قانون په رڼا کي مخکښ نه شي؛ نو داسي یو جکړ به یې د سیاست د ورنی فضاته جیګ کړي. چې بیا به په ذره بین کي هم نه لیدل کېږي او ربښتینو مجاهدینوته دې دا په یادوي، چې خینو رسنیو د دوی په باب ناروا تبلیغات کړي دي: خو د نظام جوړوني بهیر دا وښوده، چې له بهره تپل شوی دموکراسي چې د یوی پروژی په توګه را وړاندی شوی وه، څه یې هېواد ته را ډالی کړل؟ چې حتی له یوه اړخه د ترهګرو. بیا راټوکېدل، او د ګواښ تر حده. قوت پورې مطرح کېدل د پروژه ایزې دموکراسي پایلې دي.

د هر هېواد هر اړخیزه وده، د هغه په هر اړخیزو شرایطو پورې اړه لرې، چې باید د ټولني او اروا پوهنې ټولې کچې په پام کې ونیول شي: نو ځکه یو ځل بیا پر روښانفکرانو او ربښتیو مجاهدینو دا لازمه ده، چې په هېواد کې د افغانستانی دموکراسی د پلی کولو لپاره د خپل دیني او ملي فرهنګ په رڼا کې فرهنګی ګامونه پورته کړي او په خپلو حل لارو کې د پروژوي دموکراسی پر ځای هېوادنی دموکراسی تعریف کړي چې عملي کیدو ته یې لاره اواره شي!

جمعیت اسلامی افغانستان د خپل سیاسي نوښتګر او ملی مشر استاد برهان الدین ربانی په مشری له ۱۳۵۷ کال راهیسي تر ننه پورې په هېواد کې د با ثباته نظام جوړونې لپاره مخکښ و او وي به، او له ټولو رسمي ګوندونو او د نظر له خاوندانو څخه غواړي چې له دولت او نړیوالې ټولنې سره په تفاهم د ستونزو د اواری لپاره په ګډه کار وکړي، چې له یوې خوا به د نظام جوړونې دا لاس ته راغلي تاسیسات خوندي پاتې شي او هم د ننني. سمونه به په خپل ملي او سیاسي رنګ تر سره شي، د هغې ورځې په تمه چې د "ملی توحید" پر بنسټ د هېوادوالو ټولې چارې تر سره شي.

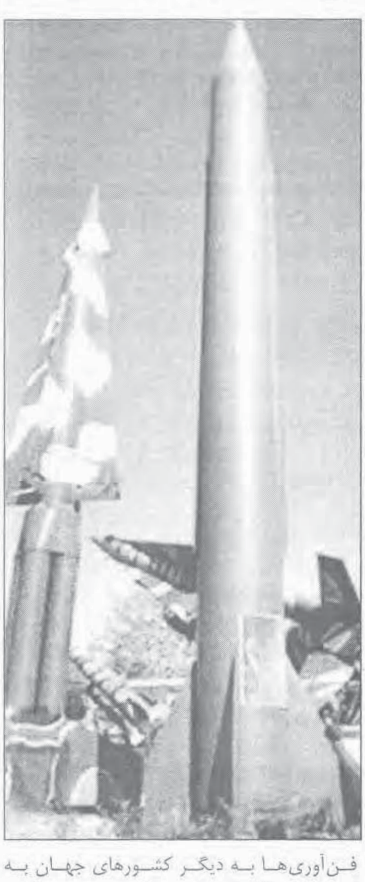
روزنامهء الأهرام مصر:

کوریای شمالی و گفتمان موشکی

آزمایش موشکی کوریای شمالی که دقیقاً مصادف با سالروز استقلال آمریکا صورت گرفت، اعتراض بسیاری از طرف‌های سیاسی و در رأس آن‌ها دولت آمریکا را به دنبال داشت. کوریای شمالی در انتظار زمان دقیق و مناسب جهت انجام این آزمایش موشکی بود تا بتواند بدین ترتیب منظومهء سلاح‌های خود را تکمیل کند و از دست‌یابی به قدرت لازم برای هدف قرار دادن منافع دشمن اطمینان حاصل کند.

طارق شیخ، گزارش‌نویس و تحلیلگر روزنامهءالاهرام با ارایهء گزارشی از فعالیت‌های موشکی کوریای شمالی تحت عنوان "کوریای شمالی و گفتمان موشکی" می‌نویسد: "کوریای شمالی تاکنون در این آزمایش‌های موشکی سه نوع از موشک‌هایش را به آزمایش گذاشت که نوع اول اسکاد کوتاه برد، نوع دوم موشک نودونگ میان برد و نوع سوم موشک تائپودونگ- ۲ دور برد بود و با این‌آزمایش‌های موشکی اعتراض بسیاری از کشورهای جهان و همسایگان نزدیک خود چون ژاپن و کوریای جنوبی را بلند کرد. آخرین آزمایش موشکی کوریای شمالی که در سالروز استقلال آمریکا انجام گرفت به عنوان یک مرحلهء جدید در سیاست این کشور تلقی می‌شود.

کوریای شمالی در این مرحلهء جدید برای تکمیل مسیر سابق خود که در دههء۶۰ آغاز کرده بود، قدم گذاشت. در دههء ۱۹۶۰ کوریای شمالی جهت دستیابی به سلاح‌هایی که با خطر آمریکا مقابله کند، حرکت خود را آغاز کرد زیرا نیروهای نظامی آمریکا در بسیاری از پایگاه‌های نظامی کوریای جنوبی و ژاپن مستقر شده بودند و به عنوان تهدیدی جدی برای دولت کوریای شمالی محسوب می‌شدند. از سویی شکست آمریکا



در برههء از زمان یعنی سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۳ برای فروپاشی نظام کمونیستی در کوریای شمالی منجر به آن شده بود که این کشور دایرهء حضور نظامی خود را در اطراف کوریای شمالی گسترش دهد و همین امر منجر به آن شد که کوریای شمالی برای دست‌یابی به سلاح‌های مورد نظر خود سریع‌تر عمل کند. در کتاب "تاریخچهء موشک‌های بالستیک کوریای شمالی" که توسط نویسنده‌یی به نام جوزف برمودز در سال ۱۹۹۹ تالیف شده، آمده است: فعالیت کوریای شمالی برای تولید این موشک‌ها از دههء ۶۰ قرن بیستم آغاز شد و این کشور در تولید این موشک‌ها از تجربه‌های اتحاد جماهیر شوروی درساخت موشک‌های مشهور خود و نیز دیگر موشک‌های زمین به زمین شوروی استفاده کرده است. در آغاز دههء هفتاد برنامهء موشکی کوریای شمالی به مرحله یی پیشرفته رسید. این برنامه در اولویت اول دولت کوریای شمالی قرار گرفت و این دولت برنامه‌های موشکی خود را در کنار برنامهء هسته‌یی پیش برد به طوری که این کشور امروز به عنوان بزرگترین قدرت موشکی در کشورهای جهان سوم محسوب می‌شود. پس از سپری شدن مراحل اولیهء فن‌آوری موشکی در کوریای شمالی و پس از انجام ده‌ها آزمایش موشکی این کشور به صورت مستقیم یا غیر مستقیم اقدام به صادر کردن تکنولوژی خود به سایر کشورهای جهان کرد و این امر غرب به ویژه آمریکا را به شدت خشمگین کرد، زیرا سیاست‌های

فن‌آوری‌ها به دیگر کشورهای جهان به خصوص کشورهای جهان سوم متمرکز

در ادامهء این گزارش آمده است: "در سال ۱۹۹۸ کوریای شمالی مرحلهء جدیدی از آزمایشات موشکی خود را آغاز کرد به طوری که در یکی از این آزمایش‌های موشکی، موشک تائپودونگ توانست قبل از سقوط در قلب اقیانوس آرام حریم هوایی ژاپن را بشکند و از فراز خاک ژاپن عبور کند. همین آزمایش موشکی بود که منجر به افزایش نگرانی آمریکا شد و باعث شد این کشور هوشیارانه‌تر نسبت به برنامهء موشکی کوریای شمالی عمل کند و بالاخره کوریای شمالی پس از حادثهء۱۱ سپتامبر به عنوان یکی از کشورهای محور شرارت در جهان از سوی آمریکا مطرح شد و در چارچوب جنگ آمریکا با تروریسم جهان قرار گرفت.

اما آخرین آزمایش موشکی کوریای شمالی که در آن هفت موشک آزمایش شد نگرانی آمریکا را گسترده‌تر و گسترده‌تر کرد. در این آزمایش موشکی، موشک تائپودونگ ۲ به آزمایش گذاشته شد که برد این موشک به پنج تا ۶ هزار کیلومتر می‌رسد و به اعتقاد بسیاری از تحلیلگران نظامی آمریکا و حتی دولت آمریکا این موشک می تواند به طور مستقیم خاک آمریکا را هدف قرار دهد. به رغم آنکه آمریکا خطر این آزمایش‌های موشکی را در رسانه های وابسته به خود کم تلقی کرد اما دلایل و قرائن موجود نشان می‌دهد که کوریای شمالی درصدد انجام آزمایش موشکی دیگری است که مطمئنا برد این موشک و نوع آن با موشک تائپودونگ ۲ متفاوت خواهد بود. به هر حال با وجود آن که کوریای شمالی درصدد تکمیل منظومهء سلاح‌های کشتار جمعی خود است و تمایل بسیاری برای نمایش قدرت نظامی خود دارد اما از این منظومهء سلاح به عنوان یک برگ برنده برای گفت و گو استفاده می‌کند و به واسطهء داشتن این برگ بسیار مهم می‌تواند قدرت مانور بالایی در عرصهء منطقه‌یی

جـــوان مســلمان

احســاس مــراقــبت الهــی رمــز وآرسـتگــی اسـت

عبدالرسول گلزانی

بـر جـوان مسـلمان لازم اسـت کـه خداونـد را نـاظر و مراقـب تمـام اعمـال نیک وبد خود بدانـد، بـه دلیـل ایـن حدیث پیامبر خدا که فرموده اند:

"احسـان آن اسـت کـه خداونـد را چنان عبادت وپرسـتش نمـایی، گـویی کـه او را می بینی، هر چنـد تـو نمـی تـوانی او را ببینـی؛ امـا حتمـاً او تـو را مـی بینـد." و خداوند متعال در این باره می فرماید:

"هـیچ گفتگـویی محرمانـه وسرگوشـی (میـان) سـه تـن نیسـت مگـر ایـن کـه او تعالی چهـارمین آنهاسـت ونـه میـان پـنج تن مگر این کـه او ششـمین آنهاسـت ونـه کمتر و نه بیشـتر از آن مگـر ایـن کـه هـر کجا باشند او با آنها ست." [1]

بـدیهی اسـت وقتـی جـوان مسـلمان بداند کـه در هـر حالـت خداونـد بـا اوسـت، او را مـی بینـد و مـراقبتش مـی نمایـد، گفتگوهـای محرمانـه و اسـرار او را مـی داند و به خیانـت چشـمها ورازهـای نهفتـه درسـینه هـا علـم وآگـاهی دارد، بـدون شـک از بسـیاری گناهـان کـه موجـب هلاکـت اسـت و از بسـیاری محرمـات خود را بـاز مـی دارد، بلکـه بسـان فرشـته یـی مـی گـردد کـه بـا پـاکی وصـفای روحانیش راه می رود.

آری ! روشـن اسـت کـه حضـور درمجـالس علـم و ذکـر، مـداومت برنمازهـای فـرض و نفـل، مواظبـت بـر تـلاوت قـرآن کـریم، قیـام شبانه (تهجـد) درساعاتی که مـردم درخوابنـد، استمرار بـر روزه هـای نافلـه ومسـتحب، شـنیدن داسـتانهای یـاران پیـامبر گرامـی، شـرح حال صـالحین، انتخـاب دوسـتان شایسـته، پیونـد باجماعـت مـؤمن و نیکوکـار، یـادمرگ ومنظـره هـای پـس از آن، یـاد برانگیختـه شـدن و ایسـتادن بـه پیشـگاه پروردگـار وحسـاب دادن و... از مـواردی است که جانـب تـرس و خشـیت از خداونـد و احسـاس حضـور و مراقبـت او را در جـوان تقویـت مـی نمایـد و از عظمـت پروردگـار او را آگـاهی مـی بخشـد وبـه جـلال وکبریـایی او منقـاد تسـلیمش مـی دارد.

اینـک چنـد نمونـهء بـزرگ و باشـکوه از احسـاس حضـور و مراقبـت الهـی در آشکار و نهان را بـرای شـما جوانـان عزیـز، تقدیم مـی داریـم، امیـد اسـت بـرای شـما سرمشـق پیـروی والگـوی اقتـدا قـرار گیرند.

نمونه اول:

حضـرت یوسـف (ع) در اوج طـراوت وتـازگی جـوانی قـرار دارد و درعـین حـال از نیـروی کامـل مردانگـی وکمـال جـوانی نیز برخوردار است.

درچنـین مـوقعیتی، بـانویی دارای مقام و جمال او را بـه کـام جـویی از خـود فـرا مـی خوانـد درحـالی کـه همـهء دروازه ها بسته وراههـای ... میسـر و آمـاده اسـت. چنان که قـرآن کـریم حکایـت مـی کنـد. بشنوید آنجاکه فرموده است:

"وگفت وشـنود کـرد آن بـانویی کـه او (یوسـف درخانـه اش بـود (تابگـذرد) از نفـس خـود و دروازه هـا را بسـت و گفـت: بشتاب، آمده ام و از آن تو ام" [2]

حال موقـف او دربرابـر ایـن فریبنـدگی وفتنـه یـی کـه بـرق خیـره کننـده اش چشم ها را می رباید چیست؟

آیا بایـد او زمـام را از کـف بدهـد وبـه نـاموس کسـی کـه او را مـورد اطمینـان خود قرار داده خیانت کند ؟!!

نـه هرگـز، او (در قبـال ایـن فراخـوانی فریبنده) جز این را نگفت:

"پنـاه برخـدا، هـر آینـه او آقـای مـن اسـت، بـه مـن جـای نیکـوداده اسـت حقیقـت ایـن اسـت کـه سـتمگران رستگارنمی شوند." [3]

زن عزیز بـا انـواع کیـد و مکـر ـ اعـم ازتشـویق هـا و تهدیـدهایی کـه در اختیـار داشـت ـ تـلاش کـرد تـا سـتون صـلابت واسـتحکام "یوسـف جـوان" را ذوب نمـوده و او را از آن شـامخیت و والامقـامی پـائین اورد.

او خـود ایـن امـر را، ـ بـرای زنـانی کـه بـدین منظـور بـه مهمـانی فراخوانـده بـود ـ بـادلتنگی، اظطـراب وخشـم اعـلام نمود:

"به تحقیـق گفـت وشـنود کـردم او را (تابگذرد) از نفـس خـود پـس شـدیداً خـود داری کـرد و اگـر بدانچـه فرمـانش مـی دهم انجام ندهد حتمـاً زنـدانی خواهـد شـد و قطعاً از خوارشدگان خواهد بود." [4]

امـا یوسـف (ع) آن جـوان پاکـدامن و عفیف با تمـام وجـود بـه خـدا روی آورد و از او در خواسـت کمـک وطلـب عصـمت. نمود. سرانجام زنـدان را نسـبت بـه ارتکـاب فحشـابرگزید وبـااین عمـل خـویش، عـزت و ارجمنـدی مـؤمن ، کبریـایی ذاتـی کـه مـؤمن را از پسـتی هـا برمـی کشـد وبـه والا مقـامی رفعـتش مـی دهـد اعـلام نمود:

"یوسـف گفـت: پروردگـارمن، زنـدان بـرای مـن دوسـت داشـتنی تـر اسـت از آنچه مـرا بـه آن مـی خواننـد و اگـر مکـر آنان را از من باز نگردانـی بـه سـوی شـان خـواهم گراییـد واز زمـرهء نادانـان خـواهم شد." [5]

این فتنه و آزمـونی بـود میـان وجـدان زنـدهء شـخص بـا ایمـان وتـرس از خـدا، ومیـان فریبنـدگی گنـاه و جاذبـه هـای غرایز که سـرانجام فریبنـدگی هـای گنـاه و جاذبـه هـای غرایـز شکسـت خـورد، وایمان پیروزگردید..!

نمونه دوم :

درزمـان خلیفـهء راشـد حضـرت عمـر (رض) زن با ایمانی بـود کـه شـوهرش بـه جهـاد رفـت وغیابـت آن طـولانی شـد. فشـار، دلتنگـی و وحشـت بـرا او سـایه افگنـد. رؤیاهـا و خیـالات تنهـایی بـر او هجـوم آورد. خـون شـهوت زنـانگی در رگهایش به جـوش آمـد، و آتـش غریـزه در وجـودش شـعله برافروخـت، در چنـین حـالتی هـیچ چیـز، جزوجـدان، ایمـان و احسـاس مراقبـت الهـی، او را از ارتکـاب فعل حرام باز نمی داشت.

در پاسی از یـک شـب حضـرت عمـر (رض) کـه مشـغول کشـیک دهـی و مراقبت از مردم و اوضـاع شـهر مدینـه بـود شـنید کـه آن زن بـا خـود چنـین زمزمـه می نماید:

لقد طال هذالليل وأسود جانبه
وارقني أن لاحبيب الاعبه
فوالله لولا الله أخشي عواقبه
لحرک من هذالسرير جوانبه

"حقا که ایـن شـب دراز گردیـد و همـه جا را تـاریکتر گردانیـد و بیـدارخواب از آنـم که مرا دوسـتی نیسـت تابـا او بـازی کـنم. سوگند به خدا، اگـر تـرس ازخـدا و عواقـب روزمجـازاتش نبـود، بـه طـور حـتم گوشـه هـای ایـن تخـت را (بـه خـاطر بـازی بـا معشوقه ام) به حرکت در می آوردم."

روز بعـد حضـرت عمـر (رض) وارد خانهء دخترش ام المـومنین حفصـه شـد و از او پرسـید کـه زن در غیـاب شـوهرش تاچـه مـدت مـی توانـد شـکیبایی وپایـداری ورزد، حفصـه رضـی الله عنهـا گفت: چهارماه. سـپس خلیفـه بـه فرمانـدهء سـربازان درجبهـات فرمـان فرسـتاد کـه دیگـر سـربازی را بـیش از چهـار مـاه ـ بـه دور از همسـرش ـــ در جبهـه نگـه نـدارد. (بلکه به اومرخصـی بدهـد تـا بـه نیازهـای عـاطفی وغریـزی همسـرش نیـز رسـیدگی نماید).

آری ! ایـن کشـمکش بـود میـان احسـاس زن بـا ایمـان، خـدا تـرس و پاکـدامن ، و میـان انگیـزه هـا و عوامـل فراخـون بـه سـوی گنـاه و فحشـاء کـه انگیـزه هـای غریـزی آرام وخـاموش شـد ... و ایمان پیروزگشت!!

نمونه سوم:

داسـتانی اسـت کـه در ادب پرآمـوزهء نبوی (ص) تحـت نـام (اصـحاب الصـخره) آمـده اسـت. چنـد نفـر در غـاری پنـاه مـی برند که از قضای الهی سـنگ بزرگـی فـرو مـی غلطـد و درب غـار را محکـم مسـدود مـی نمایـد بـه نحـوی کـه هـیچ راه خروجـی بـرای آنـان بـاقی نمـی گـذارد، سرانجام هرکـدام عمـال خالصـانهء خـود را به پیشگاه پروردگار شفیع قـرار مـی دهنـد تا خداوند برای نجـات آنـان از ایـن تنگنـا، فرج و گشایشی پدید آورد.

یکـی از آنـان در دعـای خـود مـی گویـد: "بـار خـدایا! تـومی دانـی کـه دختـر عمویم ازهمه مردم بـرایم محبـوب تـر بـود و همـواره در آرزوی آن بـودم تـا از آن کـام برگیرم، امـا او امتنـاع مـی ورزیـد تـا ایـن کـه دریکـی از سـالهای سـختی و نیازمندی به نـزدم آمـد، و یکصـد و بیسـت دینار بـه او دادم، مشـروط بـه ایـن کـه بـه من اجازه دهـد تـا از اوکـام بسـتانم او نیـز پـذیرفت. وقتـی برحصـول مـرادم قـدرت یافتم به من گفـت: از خـدا بتـرس و مهـر عفـت مـرا جـز بـه حـق مشـروع آن مگشای، و مـن بـه خـاطر عقوبـت گنـاه از تجاوز بـه آن منصـرف شـدم درحـالی کـه او از محبوب تـرین کسـان بـه نـزدم بـود و ازتمام یکصـد و بیسـت دینـاری کـه بـه او داده بـودم درگذشـتم. بارخـدایا! اگـر مـن ایـن عمـل را خـاص بـه رضـای توانجـام دادم مـا را از ایـن تنگنـا نجـات بخـش وبرمـا گشـایش عنایـت فرمـا... .بـالآخره سنگ از دهنهء غار بـه حرکـت در مـی آیـد و غار باز می شود.

بـدون شـک ایـن نبـردی بـود میـان خواسـته هـای نفسـانی ومیـان احسـاس حضـور مراقبـت الهـی، کـه سـر انجـام ایمان بر آرزوهای شهوانی پیروزگردید...

نمونهء چهارم :

در حکایات پیشـینیان آمـده اسـت کـه در کوفـه جـوانی عابـد و پارسـایی بـود، روزی بـانویی در مسـیر راهـش قـرار مـی گیـرد و بـه او مـی گویـد: "ای جـوان، چنـد نکتـه از سـخنانم کـه بـر تـو عرضـه مـی دارم بشـنو. جـوان بـه وی گفـت: ایـن جایگـاهی اسـت کـه در مظـان اتهـام قـرار دارد و مـن نمـی پسـندم در جـایی قـرار گیرم که موضع تهمت باشد.

زن گفـت: سـوگند بـه خـدا در ایـن جایگـاه بـی خبـر از موقعیـت و حـالات اخلاقی تو قرار نگرفتـه ام، و پنـاه مـی بـرم بر خدا اگر بنـدگان عابـد دیگـر بـه همـین انـدازه هـم مرانگریسـته باشـند. امـا چیـزی که مرا واداشت تـا خـود سـر از پـا نشـاخته در ایـن جایگـاه بـه دیـدار تـو بشـتابم– در یـک کـلام بایـد بگـویم ایـن اسـت کـه: سـراپا وجـودم گرفتـار توسـت. مـن ایـن نکته را خوب می دانـم کـه در ایـن جایگـاه دیدار تو و حتی کمتر از ایـن بـا تـو نیـز– از حیث ایـراد و اهـامی کـه نـزد مـردم وجـود دارد– زیاد است، به ویـژه بـرای شـما گـروه عابـد و پارسـا کـه هماننـد آبگینـه هـا کمترین چیزهـای ناخـالص آنهـا را معیـوب نشان می دهد. امـا چـه مـی تـوان کـرد بـا دلـدادگی کـه فقـط خـدا مـی دانـد چقـدر شیفته و دلباختهٔ تو هستم!!

جـوان از کنـار آن زن گذشـت و سـپس بـه آن نوشـت: بسـم الله الـرحمن الرحیم. بدان ای زن، هرگـاه بنـده یـی خـدا را نافرمانی کند، خداونـد نسـبت بـه او حلـم و بردبـاری مـی نمایـد، و اگـر بـار دوم بـه معصـیت روی آورد نسـبت بـه او پـرده پوشی مـی نمایـد، و اگـر او از ایـن شـرایط سـوء استفاده نمایـد و خـود را بـه گناهـان بیالاید، خدا را بـر خـویش خشـمگین نمایـد بـه نحـوی کـه عرصـهٔ وسـیع زمـین و آسمان ها و فضـای کـوه هـا و جنگـل هـا بـر او تنـگ شـود در چنـین اوضـاع و احـوالی چـه کسـی تـوان تحمـل خشـم و عضب او را دارد؟ پـس اگـر آنچـه را کـه از گرفتـاری و بـی اختیـاری خـود نسـبت بـه مـن عرضـه داشـتی، باطـل و از سـر هـوا است، من روزی را بـه یـادت مـی آورم کـه قـرآن ایـن گونـه وصـفش مـی نمایـد: "روزی کـه آسـمان چـون مـس گداختـه شود. و کـوه هـا چـون پشـم هـای رنگـین حلاجـی شـده، شـود و هـیچ خویشـاوندی (احـوال) خویشـاوند (دوسـت صـمیمی) را نپرسـد. و ببیننـد، یکـدیگر شـان را، آرزو کنـد گنهکـار کـاش فدیـه مـی داد از (عـوض) عـذاب آن روز، فرزنـدان خـود را، و نیز همسر خـود را و بـرادر خـود را، و نیـز قبیله اش را که پنـاه مـی دهـد او را، و نیـز هر که را در زمـین اسـت همـه را، سـپس (در قبـال پرداخـت ایـن همـه عـوض) خودش را نجات می داد."

آری! آن روز را بـه یـادت مـی آورم کـه از سـطوت و سـیطرهٔ "جبـار عظـیم" تمامی امتها بی جـان و بـی حرکـت باشـند. و سوگند به خـدا کـه مـن از اصـلاح نفـس خود نا تـوانم تـا چـه رسـد کـه بـه اصـلاح امـر غیـر خـود بپـردازم و امـا اگـر آن بـی قراری یی کـه بـدان اشـاره کـردی راسـت است. پـس تـو را بـه نـزد طبیـب هـدایت، راهنمایی می کنم کـه همـه جراحـت هـا را التیام مـی بخشـد و درد هـای سـوزناک را مداوا مـی نمایـد و آن طبیـب درمـانگر جـز پروردگـار جهانیـان کـس دیگـری نیسـت. پـس بـا صـدق و راسـتی حـل مشـکل و گرفتـاری ات را از او بخـواه. زیـرا مـن بیش از آن کـه در فکـر تـو باشـم بـه ایـن کلام الهی می اندیشـم کـه فرمـوده اسـت: "و آنـان را از روز (قریـب الوقـوع) قیامـت بترسـان، آنگـاه کـه دلهـا (از تـرس) بـه حلقـوم رسـند و مملـو از انـدوه باشـند در حالی که برای ستمگران نـه دوسـتی باشـد و نـه شـفاعتگری کـه فرمـان او اطاعـت شود (خداوند) چشـمان خیانـت پیشـه و هـر آنچه در دلها نهفته است را می داند."

پـس گریزگـاه و راه فـرار از ایـن آیـه کجـا توانـد بـود؟ بعـد از چنـد روز، آن زن خود را بـه آن جـوان نمایانـد، در حـالی کـه از عزم و ارادهٔ خـود بـاز گشـته بـود. و گفـت: ای جـوان! از مسـیر و راهـی کـه در پـیش گرفته یی باز مگـرد، و بـه جـز امـروز، دیگـر دیداری میـان مـن و تـو نیسـت. آری دیـدار من و تو فقـط در قیامـت در پیشـگاه خداونـد خواهـد بـود. سـپس گریـه کـرد و گفـت: از خداوندی که کلید قلـب تـو در یـد بـلا کیـف اوسـت مـی خـواهم، دشـواری گرفتـاری مـرا در بارهٔ تـو، بـه مـن آسـان گردانـد، حـال بـر مـن منـت گـذار و مـرا پنـدی ده تـا آن را از سـوی تـو، بـا خـود داشـته باشـم و مـرا وصـیتی کـن تـا بـه آن عمـل نمـایم جـوان گفت: تو را سفارش مـی کـنم کـه خـود را از شـر نفـس خـود نگهـدار و ایـن کـلام پروردگار را همواره به خاطر بسپار.

"و(خدا) آن اسـت کـه شـب هنگـام (در وقت خواب) روح شـما را قـبض مـی نمایـد و آنچه به روز کسب کرده اید می داند."

بـه راسـتی ایـن آزمـونی بـود میـان جاذبه هـای گنـاه و میـان احسـاس حضـور مراقبـت و تـرس از خـدا، کـه سـر انجـام جاذبـه هـای غرایـز منفعـل گردیـد، و پرهزگاری و ترس از خدا پیروز شد.

آری! اگـر کسـی خواسـتار عفـت و والامقـامی باشـد و در ایـن راه خالصـانه تـلاش نمایـد، بـی هـیچ تردیـدی خداونـد عفت و پاکدامنی را بـه او عطـا مـی نمایـد. پیامبرگرامی اسـلام(ص) در ایـن بـاره مـی فرماید: "هـر کـس خواسـتار عفـت باشـد (و در ایـن راه تـلاش ورزد) خداونـد او را عفیف می گرداند."

بدیهی است وقتی جوان مسلمان بداند که در هر حالت خداوند با اوست، او را می بیند و مراقبتش می نماید، گفتگوهای محرمانه و اسرار او را می داند و به خیانت چشمها ورازهای نهفته درسینه ها علم و آگاهی دارد، بدون شک از بسیاری گناهان که موجب هلاکت است و از بسیاری محرمات خود را باز می دارد، بلکه بسان فرشته یی می گردد که با پاکی وصفای روحانیش راه می رود

هرگاه بنده یی خدا را نافرمانی کند، خداوند نسبت به او حلم و بردباری می نماید، و اگر بار دوم به معصیت روی آورد نسبت به او پرده پوشی می نماید، و اگر او از این شرایط سوء استفاده نماید و خود را به گناهان بیالاید، خدا را بر خویش خشمگین نماید به نحوی که عرصهٔ وسیع زمین و آسمان ها و فضای کوه ها و جنگل ها بر او تنگ شود در چنین اوضاع و احوالی چه کسی توان تحمل خشم و عضب او را دارد

هفته نامۀ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

شعار ما

رضاي خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه‌خدا از عالي‌ترين آرزوهاي‌ملت

- مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
- مطالب آمده مسترد نمی گردد .
- آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

دور هفتم سال پنجم شمارۀ سیزدهم چهارشنبه ۲۱ سرطان ۱۳۸۵ ۱۵ جمادی الآخر ۱۴۲۶ — July 12 , 2006

اسرائیل برضد فلسطینیان سلاح هایی جدید به کار برد و شمار قربانیان فلسطین افزایش یافت

اسرائیل در این حمله از توجهء جهانیان به مسابقات فوتبال آلمان استفاده کرد



به نقل از سایت اینترنیتی اسلام اون لاین وزیر صحت فلسطین رژیم صهیونیست را به استفاده از سلاح های غیرمتعارف برضد فلسطینی ها متهم کرد.

باسم نعیم وزیر صحت فلسطین روز دوشنبه گفت رژیم صهیونیست در حملات اخیر به باریکهء غزه سلاحهای جدید و غیرمتعارفی به کار گرفته است که نمی توان آثار جراحت ناشی از آنها را با استفاده از تصویربرداریهای پزشکی ثابت کرد.

باسم نعیم از نهادهای بین المللی فعال در زمینه حقوق بشر و شورای امنیت سازمان ملل متحد خواست در خصوص به کارگیری سلاح های غیرمتعارف برضد شهروندان فلسطینی تحقیق کنند.

به گفتهء مسؤولان بهداشتی کشور فلسطین ۳۷ شهید به مراکز صحی آنها انتقال داده شده اند که از جمله در بدن ۶ تن آنان آثاری از پاشیدگی اعضا به مشاهده می رسد.

در این حال آنان از تمام مؤسسات حمایهء حقوق بشر خواسته اند تا در این رابطه تحقیق نمایند و جلو چنین حملات وحشیانهء نیروهای اسرائیلی را بگیرند.

گفته می شود درپی افزایش حملات اسرائیل، تا کنون ۵۸ تن شهید شده اند

از سوی دیگر، خالد مشعل رئیس دفتر سیاسی حماس، بر تبادل زندانیان فلسطینی با گروگان اسرائیلی تأکید کرد.

او گفت: این سرباز اسرائیلی یک زندانی جنگی است و کنوانسیون‌ها و قوانین بین‌المللی باید در این مورد به کار گرفته شود.

اما ایهود المرت نخست وزیر اسرائیل، کمی پس از این کنفرانس مطبوعاتی اعلام کرد: مذاکره دربارهء بازگشت سرباز اسرائیلی یک اشتباه بزرگ خواهد بود و هیچ مذاکره یی با حماس در این باره صورت نخواهد گرفت.

در این حال سخنگوی یک شاخهء نظامی جنبش فتح، از تشکیل نهاد نظامی جدید ویژهء زنان برای انجام عملیات‌های نظامی در داخل اسرائیل خبر داده می گوید که گردان شهدای الاقصی تصمیم گرفت تا نهاد نظامی سری را ویژهء زنان شهادت طلب تشکیل دهد. این نهاد که به یگان زنان شهادت طلب موسوم است، از ۱۰۰ تن از زنان کرانهء باختری، نوار غزه و بیت‌المقدس تشکیل شده است.

لازم به تذکر است که اسرائیل برای حمله به فلسطین از فرصتی استفاده کرده است که افکار جهانیان به سوی مسابقات فوتبال آلمان معطوف شده بود که در این میان بسیاری از جهانیان از جنایاتی که نیروهای اسرائیلی در فلسطین مرتکب شده اند ناآگاه مانده اند.

همچنان دومین سالروز محکومیت ساخت دیوار حایل از سوی دادگاه بین‌المللی لاهه در حالی فرا رسیده است که اسرائیل هتک حرمت‌ها و تجاوزات خود علیه حقوق مردم فلسطین را افزایش داده است و بدون هیچ اعتنایی به قوانین بین‌المللی و محکومیت‌های جهانی هم چنان مساحت‌های گسترده‌یی از مناطق فلسطینی را برای تکمیل دیوار حایل به اشغال خود در آورده است. جالب آن است که حملات گسترده اسراییل به مناطق فلسطینی و مطرح شدن موضوع اسیر اسراییلی در زمانی مطرح شده است که انتظار می‌رفت با فرا رسیدن دومین سالروز صدور محکومیت دیوار حایل از سوی دادگاه لاهه، جهان بار دیگر این موضوع را به بررسی گذارد اما عملا بحران‌های سرزمین‌های اشغالی بر این موضوع سایه افکنده است!

از نامه های آمده

مردم بغلان خواهان پرداخت مالیه طبق احکام شریعت هستند

مردم بغلان طی درخواستی به مقامات عالیهء دولت جمهوری اسلامی افغانستان خواهان آن شده اند که وضع مالیه از سوی دولت باید مطابق به احکام شریعت اسلامی باشد و در پای آن معروضه شماری از علمای این ولایت نیز امضا کرده اند و از مقامات ذی صلاح دولت خواهان توجه شده اند. ما در این جا مضمون متن درخواست آنان را می آوریم:

مالیات شش در صد از دارایی شهروندان تصویب شدهء سال ۱۳۸۳ مجلس وزیران طاقت فرسا بوده و در تاریخ افغانستان سابقه ، و نیز از لحاظ شرعی جواز ندارد؛ در شریعت اسلامی تأدیهء مالیات بر تاجران مسلمان دو و نیم در صد و بر تجار اهل ذمه پنج در صد و بر تاجران حربی ده در صد پس از ادای دین بر سرمایهء آنان تجویز شده است.

بر اساس ماده های ۱ و ۲و ۳ و ۶۳ قانون اساسی کشور، دولت افغانستان دولت اسلامی است. و مردم آن مسلمان هستند، هرچه را شریعت اسلام بر ما مسلمانان حکم می کند ما آن را به سر و جان تأدیه می داریم، و آنچه خلاف شریعت بر ما تحمیل شود، آن را نمی توانیم بپردازیم.

هکذا تجاری که دولت از آنان مالیه می گیرد تجاری اند که از خارج کشور متاع وارد می کنند، اما تجاری که در داخل شهرهای کشور تجارت می کنند تأدیهء مالیهء آنان به خود آنان مفوض می شود که به فقرای محیط شان بر اساس قاعدهء الأقرب فالأقرب توزیع بدارند.

در پایان معروضهء شان مراجع زیر را به عنوان شاهد ادعای خویش آورده اند:

- ۱- هدایه ج ۱ ص۱۷۹
- ۲- شرح الوقایه ص۲۸۸
- ۳- شرح کنز از عینی ج۱ ص۶۱
- ۴- رد المختار ج۳ ص۲۸۹
- ۵- مستخلص ج۱ ص۳۳۶

نیروهای روسی رهبر رزمندگان چیچن را کشتند



به نقل از روزنامهء الأهرام مصر، دیروز رئیس امنیت دولت روسیه برای ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری آن کشور کشته شدن شامل باسایف را مژده داد.

تلویزیون دولتی روسیه تصاویری را به نشر رسانده است که نشان دهندهء آن است شامل باسایف و تعدادی از همراهان وی در اثر انفجار موتر بمب گذاری شده کشته شده اند.

شامل باسایف رهبر ۴۱ سالهء رزمندگان چیچن طراح حملات در جنوب روسیه برضد نیروهای آن کشور بود. او مسؤولیت حمله بر مدرسهء بسیلان و به گروگان گرفتن معلمان و متعلمان این مدرسه در سال ۲۰۰۴ را نیز به عهده گرفته بود. در این حمله ۳۳۱ نفر کشته شده بودند که از آن جمله ۱۸۶ تن آنان را کودکان تشکیل می دادند. گفتنی است که در این حمله ۳۱ تن از ۳۲ گروگان گیران به قتل رسیده اند.

گفته می شود که جورج بش نیز رییس جمهوری آمریکا در یک کنفرانس خبری در واشنگتن که به بررسی کنفرانس G8 اختصاص داشت، دربارهء کشته شدن فرماندهء جدایی‌طلبان چچن گفت: معتقدم که [illegible]

[illegible]

خانوادهء خبرنگار کشته شدهء الجزیره علیه بوش و پنتاگون اقامه دعوی کرد

خانوادهء طارق ایوب خبرنگار شبکهء الجزیره که در بمباران جنگنده‌های آمریکایی علیه دفتر این شبکه در بغداد، کشته شده بود، علیه بوش و پنتاگون اقامهء دعوی کردند.

شکایت نامهء خانوادهء این خبرنگار شامل گزارشی از دستور بش مبنی بر حمله به مواضع عراق در آغاز جنگ علیه این کشور است.

همچنین گزارش‌های خبری از مذاکرات تونی بلیر، نخست وزیر انگلیس و جورج بش در خصوص موضوع حمله به دفتر الجزیره در بغداد نیز در این شکایت نامه دیده می‌شود .

حمدی الرفاعی، وکیل خانوادهء طارق ایوب، در نیوجرسی تأکید کرد که این اقامهء دعوی از سوی همسر و دختر خبرنگار صورت گرفته است. وی همچنین خاطرنشان کرد که قصد دارد صبح دیروز در باشگاه ملی روزنامه‌نگاری در پایتخت آمریکا در یک کنفرانس مطبوعاتی به شرح این موضوع بپردازد.

رهبران سنی های عراق خواهان اعزام نیروهای بیشتر حافظ صلح به این کشور شدند

در اثر حوادث مختلف به ویژه پس از انفجارهای پیهم در عراق در منطقه یی شیعه نشین و حمله بر یک بس شهری در منطقه یی سنی نشین در عراق ۳۱ تن از شهروندان عراقی کشته و بیش از ۱۲۴ تن زخمی شدند. در این هنگام رهبران سیاسی سنی های عراق از شورای امنیت خواهان اعزام نیروهای بیشتر حافظ صلح در این کشور گردیدند. آنها ادعا کرده اند که نیروهای آمریکایی قادر به تأمین امنیت در عراق نیستند.

به گفتهء ایاد سامرایی عضو جبههء آشتی ملی عراق و رهبر سیاسی سنی ها گفت که نظامیان ارتش مهدی مسؤول انفجارها در مناطق سنی نشین هستند. همچنان علاء ملکی یکی از رهبران حزب اسلامی عراق نیروهای عراقی را به دست داشتن در این انفجار متهم کرده می گوید که آنان می خواهند مسلمانان را درمیان هم درگیر سازند. او انفجارهای ناحیهء جهاد را یک فاجعهء انسانی خواند و از آغاز یک جنگ داخلی خانمان سوز در عراق هشدار داد.